نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی ،اقتصادی ورزشی

شماره پانزدهم - یکشنبه ۳ آبان ماه ۱۳۷۷

هشت صفحه ۵۰ تومان

اسامی برندگان مسابقه آشنائی با بوشهر در شماره آینده هفته نامه نسیم جنوب

آزادی روزنامه‌نگاران زندانی

صفحه ۲

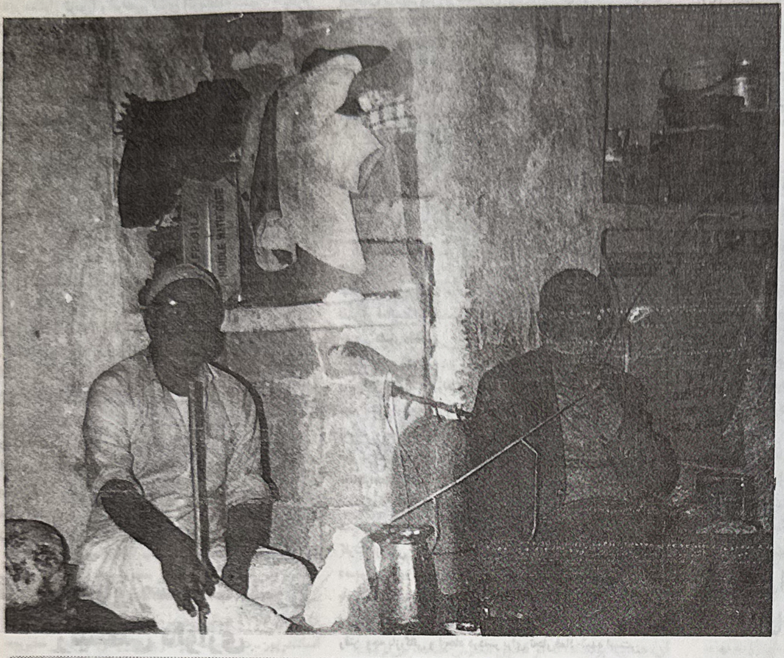
چنانچه از قبل انتظار می‌رفت

نماینده خبرگان بوشهر بار دیگر به مجلس خبرگان بازگشت.

صفحه ۲

بنای تاریخی آب‌انبار قولم بوشهر «۱۲۷۲هـ ـ ق»

صفحه ۳



عبادت - عامری دیلم - عکس از عباس لیراوی

محروم از چه؟!

کند و کاوی در خصوص علل محرومیت استان بوشهر

ص ۳

یک حرکت عجیب از نیروی انتظامی

ص ۲

مشکل عقب‌افتادگی مطالبات فرهنگیان

کمبود بودجه یا سهل‌انگاری؟!

ص ۸

بار دیگر میلاد از آتش

صفحه ۵

تئاتر بعد از انقلاب در بوشهر

صفحه ۴

اعتراض ۷۶ نفر از دانشجویان رشته‌های فنی دانشگاه آزاد بوشهر به امکانات این دانشگاه

صفحه ۸

فراخوان مقاله

«همایش یک روزه امید به زندگی»

«مرکز بهداشت شهرستان گناوه»

بدینوسیله اعلام می‌گردد، که همایش یک روزه امید به زندگی با هدف بررسی عوامل مؤثر در ارتقاء امید به زندگی و ارائه راههای علمی و عملی نیل به هدف فوق با تغییر در زمان برگزاری در ۱۱ آذر ماه ۷۷ در شهرستان گناوه برگزار می‌گردد. به همین منظور از عموم علاقمندان و اندیشمندان دعوت می‌شود مقالات و آثار خود را حداکثر تا تاریخ ۷۷/۸/۲۵ به نشانی دبیرخانه همایش: "گناوه، خیابان امام (ره) مرکز بهداشت حضرت مهدی (عج)" ارسال نمائید.

نسیم جنوب

آزادی روزنامه‌نگاران زندانی

در هفته گذشته سه تن از مسئولان و نویسندگان روزنامه توس آزاد شدند. ماشاءالله شمس‌الواعظین (سردبیر روزنامه توس)، محمدصادق جوادی‌حصار (صاحب امتیاز و مدیرمسئول توس) و ابراهیم نبوی (نویسنده ستون چهارم توس) با قرار وثیقه آزاد شده‌اند.

این عده در بیست و پنجم شهریورماه گذشته بازداشت شده بودند.

حمیدرضا جلائی‌پور (رئیس هیئت مدیره شرکت چاپ و انتشار جامعه روز) نیز از جمله بازداشت‌شدگان بود که خبر آزادی او را در هفته گذشته در نسیم جنوب به چاپ رساندیم.

ابراهیم نبوی پس از آزادی از زندان، در مصاحبه با ایرنا گفت: «به هیچ وجه قصدی برای تشویش اذهان عمومی نداشته و نمی‌خواهد که در چنین موضعی قرار بگیرد.»

وی گفت: «در جلسات بازجوئی اتهام به من تفهیم شد و پاسخهایی که دادم فکر می‌کنم آنها قانع شده باشند که من جرمی مرتکب نشده‌ام و تصور می‌کنم این موضوع تا حدی برای آنها روشن شد.

نبودی یادآور شده است: «در مدت ۲۷ روزی که در انفرادی بودم (چهار روز جمعی) فرصتی دست داد تا کتابی را بازنویسی کنم.»

لازم به ذکر است که امتیاز روزنامه توس نیز که انتشار آن از بیست و پنجم شهریورماه متوقف شده بود، ششم مهرماه جاری از سوی هیئت نظارت بر مطبوعات لغو و پرونده آن به دادگاه مطبوعات ارجاع شد. این در حالی است که جوادی‌حصار پس از آزادی از زندان در مصاحبه با بی.بی.سی به لغو امتیاز روزنامه توس اعتراض کرده و اعلام کرد که برای لغو این حکم اقدام خواهد کرد.

فروش اوراق مشارکت طرح رئیسعلی دلواری

اوراق مشارکت طرح رئیسعلی دلواری در اوائل ماه جاری به فروش می‌رسد.

مدیر کل امور آب استان بوشهر منظور از فروش این اوراق را تحقق سیاست دولت مبنی بر جلب مشارکت مردم در اجرای طرحهای بزرگ و ملی دانست.

مهندس مهرداد محمدپور در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود: «در این ارتباط امسال معادل ۲۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت این طرح در مدت ۱۵ روز به فروش می‌رسد.

و گفت: «میزان سود مشارکت در طرح سد شهید رئیسعلی دلواری ۲۰٪ است و این میزان سود را دولت تضمین می‌کند.

محمدپور یادآور شد: همچنین در سال جاری ۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال اعتبار برای ادامه کار این سد اختصاص یافته است.

به گفته مدیرکل امور آب استان ، با بهره‌برداری از این طرح علاوه بر ذخیره سالانه ۷۰۰ میلیون متر مکعب آب، ۲۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی بخش شبانکاره و منطقه سعدآباد تحت پوشش آبیاری قرار می‌گیرد. عملیات سد رئیسعلی دلواری در سال ۷۲ بر روی رودخانهٔ شاهپور در بخش شبانکاره استان بوشهر آغاز شده است.

جوابیه شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر

سردبیر محترم نشریه نسیم جنوب

سلام علیکم . در پی چاپ خبری تحت عنوان «نرخ برق افزایش می‌یابد» در صفحه ۲ نشریه شماره ۱۴ نسیم جنوب مورخ ۷/۲۶/ ۷۷ خواهشمند است دستور چاپ جوابیه زیر صادر فرمایند:

«تکذیب افزایش بهای نرخ برق»

ظاهراً هیئت تحریریه آن نشریه به دلیل خلاصه نمودن خبر ارسالی ناخواسته اقدام به تغییر واقعیت نموده‌اند.

جهت روشن شدن اذهان هم استانیهای عزیز اعلام می‌گردد در استانهای گرمسیر به علت نیاز شدید به استفاده از وسایل خنک کننده در ماههای گرم سال، نرخ برق مصرفی کاهش چشمگیری می‌یابد. با شروع فصل سرد و تغییر محاسبه نرخ برق مصرفی گاهاً مشترکین گرامی به دلیل عدم اطلاع از موضوع اقدام به مصرف برق به سیاق فصول گرم می‌نمایند، که این امر باعث صدور قبوض برق با مبالغ بالا می‌گردد. ضمناً به آن نشریه پیشنهاد می‌گردد چنانچه مایل به چاپ خبرهای ارسالی از این شرکت بطور کامل نمی‌باشند. لطفاً از چاپ ناقص خبر نیز خودداری فرمایند، تا ناخواسته باعث ایجاد توهم در مردم بزرگوار نگردند.

«روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر»

توضیح نسیم جنوب : ضمن عرض تشکر از آن اداره محترم برای ارسال جواب، نمی‌توان تعجب خود را از فرستادن این جوابیه پنهان نمائیم، چراکه جوابیه ارسالی هیچ منافاتی با خبر چاپ شده در این هفته نامه نداشته و این جوابیه دقیقاً آن خبر را تائید می‌نماید، مگر اینکه بگوئیم آن اداره محترم تنها تیتر آن خبر را خوانده و وقت خواندن آن خبر کوتاه را نداشته‌است، از پیشنهاد آنان نیز متشکریم و اصولاً نه تنها خبر آن اداره را بطور ناقص به چاپ نخواهیم رساند که سعی کرده‌ایم هیچ خبری را ناقص چاپ ننمائیم اما باید این حق را نیز داد که به سبب کمبود جا و حجم انبوه مطالب ، خبرهاو مطالب را با حفظ لاصل مطلب خلاصه نمائیم.

چنانچه از قبل انتظار می‌رفت

نماینده خبرگان بوشهر بار دیگر به مجلس خبرگان بازگشت.

چنانچه از قبل نیز انتظار می‌رفت، حجت‌الاسلام نمازی بار دیگر به نمایندگی مردم استان بوشهر در مجلس خبرگان انتخاب گردید. پس از شمارش آراء مشخص گردید که در این دوره از انتخابات ۲۲۷۱۰۰ نفر از استان بوشهر شرکت کردند. این عده حدود ۴۸٪ از واجدین شرایط رأی را در استان بوشهر شامل می‌شوند. بر اساس نتایج انتخابات، از تعداد شرکت‌کنندگان ۱۶۰۶۷۷ نفر به حجت‌الاسلام نمازی و ۴۹۵۵۴ نفر نیز به حجت‌الاسلام شب‌زنده‌دار رأی داده‌اند.

برگزاری همایش ملی روز صادرات در بوشهر

همایش ملی روز صادرات در بوشهر برگزار شد. در این همایش مدیر عامل صندوق ضمانت صادرات ایران عدم آشنائی صادرکنندگان با نقش و فعالیت این صندوق را از مشکلات عمدهٔ بخش بازرگانی خارجی کشور دانست.

شفیعی هنجی در این همایش گفت: «در کشور ما از بین تمامی آثار و پیامدهای صادرات غیرنفتی تنها به درآمد ارزی که فقط بخشی از این مهم است توجه شده و بقیه آثار آن از جمله صدور فرهنگ غنی اسلامی، ایجاد اشتغال، تسخیر بازارهای جهانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شفیعی‌هنجی افزود: «به دلیل بالا بودن هزینه مخاطرات بازرگانی خارجی، فقط صندوق ضمانت صادرات دولتی است که می تواند از عهدهٔ جبران این خسارت برآید.

همچنین در این جلسه مدیر کل بازرگانی استان بوشهر نیز به صدور کارت بازرگانی در چند سال گذشته انتقاد کرد و در این رابطه گفت: «صدور بی‌رویه کارت بازرگانی طی چند سال گذشته در این استان باعث شده تا برخی از دارندگان این کارت با اصول و قوانین صادرات و واردات آشنا نباشند. صمدانی افزود: «این امر باعث به زیر سؤال رفتن وجه بازرگانی و ایجاد دردسر برای تجار فعال شده است.

صمدانی همچنین اظهار داشت: «با همفکری و همکاری اطاق بازرگانی استان، دستورالعملی تدوین شده تا کسانی که از این پس خواهان روی‌آوری به حرفه تجارت می‌باشند پس از قبولی در آزمون مربوطه کارت بازرگانی را دریافت کنند.

برنامه کانون فیلم

عصر یکشنبه هفته آینده مورخ ۱۰ آبان فیلم دیکتاتور بزرگ با بازی و کارگردانی چارلی چاپلین به نمایش درخواهد آمد علاقمندان می‌توانند رأس ساعت ۱۶ به سالن شهید مفتح روبروی سینما بهمن مراجعه کنند.

بالاخره آب آبسردکن بازار قدیم بوشهر وصل شد.

به دنبال درج خبر وگزارشی مبنی بر قطع آب آبسردکن بازار قدیم بوشهر توسط شرکت آب و فاضلاب استان، و نیز چاپ جوابیه شرکت مذکور، بالاخره شخص خیّری که حاضر به افشای نامش نشده است، با پرداخت حق انشعاب، مشکل را حل نمود.

هفته نامه نسیم جنوب که از همان ابتدای امر بطور جدی پیگیر مساله شده بود، باز هم در این مورد با تنی چند از بازاریان که عموماً از ثمربخشی انعکاس قضیه در نشریه سپاسگزار بودند، گفتگو کوتاهی انجام داد. آقای ابراهیم آقایانی که ظاهراً از طرف بازاریان، مأمور رسیدگی به این موضوع بوده، با همان حرارت قبلی می‌گوید: «بالاخره هر چه بود تمام شد، ولی از شرکت فاضلاب که در جوابیه‌اش مدعی شده که بازاریها با این آب، آبتنی می‌کرده‌اند، سوالی دارم: «اولاً بفرمائید چطور ممکن است با آب آبسردکن، حتی در گرمترین زمان سال، آبتنی کرد؟! دوماً چه کسی پیدا می‌شود که در ملأ عام آبتنی کند؟ مگر آنکه بگوئیم که این کار با کت و شلوار انجام می‌داده‌اند!!»

بازاری دیگری می‌گوید: «آقایان در جوابیه‌اش نوشته‌اند که هزینه گزافی صرف "گندزدائی" این آب می‌کنند! اگر راست می‌گویند پس چرا اداره بهداشت محیط مکرراً توصیه می‌کند که آب بوشهر آلوده است و حتماً قبل از مصرف آن را بجوشانید؟!» فرد دیگری اظهار می‌دارد: «بابا حالا هر چه بود تمام شد، دعا به جان نیسم‌جنوب کنید که با نوشتن چهار تا خط، غائله را تمام کرد.»

به هر حال نسیم‌جنوب، هم از فرد خیّری که از جیب مایه گذاشته و هم شرکت فاضلاب که همکاری کرده است، به سهم خود سپاسگزاری می‌نماید.

یک اقدام حسنه از پالایشگاه گاز ولیعصر (عج)

در یک اقدام بی‌سابقه پالایشگاه گاز ولیعصر (عج) کنگان ۵۰۰ میلیون ریال برای ساخت یک آموزشگاه شبانه روزی در منطقه جم استان بوشهر اهدا کرد.

شاید این برای اولین بار باشد که این پالایشگاه که در استان بوشهر قرار دارد دست به چنین اقدام خیرخواهانه می‌زند. بسیاری از ساکنان این منطقه اعتقاد دارند که این پالایشگاه در قبال هزینه‌هایی که بر مردم منطقه وارد آورده است باید خدمات مفید و قابل توجهی را نیز به مدرم منطقه ارائه دهد، چیزی که تاکنون کمتر از این پالایشگاه دیده شده است. در هر صورت اکنون که علیرغم وجود این پالایشگاه در استان، مردم محروم از لوله کشی گاز هستند، بنابراین جا دارد که حداقل این پالایشگاه از طریق کمکهای جانبی این نقصان را جبران کند.



یک حرکت عجیب از نیروی انتظامی

در چهارشنبه هفته گذشته در ساعت ۹ صبح حرکت یک جرثقیل غول‌پیکر بدون اعلام قبلی در مسیر خیابانهای شهید مطهری، میدان امام خمینی(ره)، خیابان فرودگاه در شهر بوشهر باعث ترافیک سنگینی گردید. به گزارش خبرنگار ما این جرثقیل ۱۲۰ تنی مربوط به ناحیه انتظامی بوشهر است که در حین حرکت به وسیله چند ماشین نیروی انتظامی و تعدادی از سربازان همراهی می‌شد. حرکت این ماشین عظیم‌الجثه در ساعات اولیه صبح در خیابانهای اصلی شهر برخلاف آئین و مقررات راهنمائی و رانندگی بوده و تعجب رانندگان و عابرین را برانگیخت. لازم به یادآوری است که در ابتدای ورودی خیابان مطهری (سه راه باغ زهرا) تابلوئی درخصوص عدم عبور وسائل نقلیه سنگین از سوی معاونت راهنمائی و رانندگی ناحیه انتظامی بوشهر نصب گردیده است.

انتشار عصر پنجشنبه

شماره اول هفته نامه ادبی- هنری «عصر پنج‌شنبه» منتشر شد. در این هفته نامه که در شیراز به چاپ می‌رسد آثاری از منوچهر آتشی، مسعود احمدی، منصور اوجی، سیمین دانشور، شهریار مندنی‌پور و محمد ولی‌زاده و ... به چاپ رسیده است. در این شماره از قول محمد ولی‌زاده سردبیر بوشهری این هفته نامه می‌خوانیم: «اینکه آماده و آمده‌ایم تا با ذهن و ذهنیتی تازه، در تکاپوی جهانی بسیار شگفت‌تر از بیرون، خود را کشف کنیم تا شاید بتوانیم با یاری شما، معیارهای جهانی و انسانی هنر امروز را مشخص نمائیم»

این هفته نامه در ۴۶ صفحه به قیمت ۱۵۰ تومان عرضه شده است.

دستگیری قاتل مسلح فراری

با تلاش و کوشش پرسنل مدیریت آگاهی ناحیه انتظامی بوشهر و دایره آگاهی برازجان قاتل مسلح فراری بنام ابراهیم که در مورخه ۷۷/۶/۲۷ مرتکب یک فقره قتل عمد در برازجان گردیده بود در مورخه ۷۷/۷/۱۳ در شهرستان آباده، فارس به همراه یک قبضه سلاح کمری و تعداد ۱۴۵ عدد فشنگ جنگی دستگیر و جهت سیر مراحل قانونی تحویل معامات قضائی گردید.

خبرهای کوتاه از استان بوشهر

● مدیر کل امور آب استان بوشهر گفته است که تاکنون با صرف ۳۷ میلیارد ریال تنها ۲۰٪ از عملیات اجرائی سد رئیسعلی دلواری انجام شده است.

به گفته وی در صورت تأمین ۱۴۰ میلیارد ریال اعتبار مورد نیاز، سد شهید رئیسعلی دلواری ظرف سه سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد.

● به گفته مسئول ستاد تغذیه آموزش و پرورش استان بوشهر امسال ۷۲ هزار دانش‌آموز این استان تحت پوشش تغذیه رایگان قرار دارند. وی سرانه تغذیه هر دانش‌آموز نقاط محروم استان را ۱۸۰ ریال ذکر کرد.

امسال یک میلیارد ریال برای اجرای طرحهای تحقیقاتی منابع طبیعی و امور دام جهادسازندگی استان بوشهر هزینه می‌شود. به گفته رئیس این مرکز میزان اعتبار ۲۷ طرح تحقیقاتی در دست اجرا است.

وی کمبود اعتبار را از مشکلات عمده در زمینه اجرای طرحهای تحقیقاتی این مرکز دانسته است.

● به گفته مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب روستائی استان بوشهر امسال ۱۲ میلیارد و ۷۹۹ میلیون ریال برای اجرای طرحهای آب و فاضلاب روستاهای این استان اختصاص یافته است. به گفته داراب رفیعی‌پور ادامه کار سدّ مجتمع آبرسانی به روستاهای نوار ساحلی، حوزهٔ جنوبی شهر خورموج و دیلم از طرحهای عمده است شرکت می‌باشد و در استان بوشهر هم اکنون ۷۰۳ روستای دارای سکنه وجود دارد که ۳۵۷ روستا با ۷۵ هزار نفر جمعیت از شبکه آب آشامیدنی محروم هستند.

● به مناسبت درگذشت سیما خلیلی - دانشجوی نمونه رشته مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر - مراسم بزرگداشتی در دانشکده علوم انسانی این دانشگاه برگزار شد.

در این بزرگداشت که با حضور کلیه اساتید و دانشجویان برگزار شد، علاوه بر مرثیه‌سرائی و قرائت شعر، معاون دفتر فرهنگی این دانشگاه نیز سخنرانی نمود.

● به گزارش مدیریت اوقاف و امور خیریه استان بوشهر مسجد حضرت حجت ابن الحسن العسکری (عج) روستای بادوله از شهرستان دشتی به بهره‌برداری رسید. این مسجد به همت یک بانونی نیکوکار ایرانی مقیم کویت به نام حاجیه سکینه عباس متروک و با همکاری و پیگیری فرد نیکوکاری به نام حاج حمزه عباس صرخوه در زمینی به مساحت ۹۰۰ متر مربع با زیربنایی برابر ۶۹۰ مترمربع شامل شبستان، دو گلدسته، گنبد و محراب و سرویسهای بهداشتی و آبدارخانه و پنج باب مغازه بنا شده است.

● ناحیه انتظامی بوشهر فهرست کالاهای قاچاقی کشف و ضبط شده در شش ماهه اول سال جاری را اعلام نمود. در این فهرست از کشف و ضبط کالاهایی نظیر دوربین فیلمبرداری، دورنویس، دوربین عکاسی، لوازم صوتی تصویری، کولر گازی، دستگاه فتوکپی، چرخ خیاطی، پنکه سقفی و دوچرخه، موتورسیکلت، لوازم یدکی خودرو، قطعات رایانه، لوازم خانگی و ... نام برده شده است.

● تاکنون ۷۰ گونه گیاه داروئی در سطح استان بوشهر شناسائی شده است. رئیس مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام جهادسازندگی بوشهر ضمن بیان این مطلب افزود: «این مرکز در حال حاضر برای استاندارد کردن مواد مؤثر این گیاهان، تعیین میزان هزینهٔ تولید در واحد سطح، طرحهای آزمایشی در دست اجرا دارد که پس از دستیابی به نتیجه، مشارکت مردم در سطح وسیعی اجرا خواهد شد.»

● به گزارش اداره آموزش و ترویج منابع کل طبیعی بوشهر، در شش ماهه اول سال جاری مجموعاً شش کلاس برای ۱۳۲ نفر از بهره‌برداران عرصه‌های منابع طبیعی و امدادگران هلال‌احمر تشکیل شده است.

این کلاسها که در شهرستانهای مختلف بوده شامل اطفاء حریق، مدیریت برنامه‌ریزی مرتع و کاهش فشار دام و خطرات آتش‌سوزی بوده است.

● به گفته مدیر کل نهضت سوادآموزی استان بوشهر در نیمه دوم امسال ده هزار نوآموز زیر پوشش کلاسهای سوادآموزی این نهضت قرار می‌گیرند. به گفته وی از ابتدای مهرماه سالجاری تاکنون ۱۸۰ کلاس سوادآموزی در این استان تشکیل شده است. به گفته وی امسال برای نخستین بار طرح جدید آموزش مکاتبه‌ای سوادآموزی در استان بوشهر اجرا می‌شود.

● اداره منابع طبیعی شهرستان گناوه همه ساله در جهت توسعه فضای سبز، احیاء عرصه‌های بیابانی و تثبیت شنهای روان در منطقه، اقدام به کشت بذر و تولید نهالهای جنگلی و زینتی می‌نماید که در این راستا در سال جاری نیز با هدف تأمین نهالهای موردنیاز فضای سبز و جنگلکاری عرصه‌های بیابانی منطقه و نیز در جهت آموزش، ترویج و توسعه، فرهنگ و منابع طبیعی اقدام به تولید یکصدهزار اصله نهال جنگلی و زینتی در نهالستان آن اداره از طریق کشت بذر و قلمه در گلدانهای پلاستیکی و از گونه‌های آکاسیا، آکالیپتوس، کهور، ابریشم، کنار، خرزهره، ختمی، شاه‌پسند، گل کاغذی و ... می‌نماید که در این خصوص اعتباری بالغ بر ۲۳۶۴۰۰۰۰ ریال هزینه می‌شود.

بنای تاریخی آب‌انبار قوام بـوشهر «۱۲۷۲هـ-ق»

تحقیق و نگارش : عبدالکریم مشایخی

بندر بوشهر در دورهٔ افشاریه، زندیه و قاجاریه مهمترین بندر جنوبی ایران بوده است. تاریخ جدید بوشهر اگر چه از دوره نادرشاه آغاز می‌شود، لکن عمران و آبادی این بندر به دورهٔ زندیه و حکومت کریم‌خان باز می‌گردد.

از اواسط دورهٔ قاجاریه و پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار نیز این بندر مهم و استراتژیک هر چه بیشتر مورد توجه اروپائیان قرار گرفت.

از زمانی که «ویلیام پرایس» نماینده سیاسی انگلیس مقیم در خلیج‌فارس، اولین نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس در بوشهر را منصوب کرد، و انگلیسیها با نمایندگی «توماس درون فورد» موفق شدند، قرارداد تجاری ۱۷۶۳م/ ۱۱۷۷هـ را با کریم‌خان زند منعقد نمایند، منافع تجاری انگلیسیها سبب گردید، تا هر چه بیشتر به بوشهر توجه نمایند.

توسعه‌طلبی انگلیسیها در خلیج‌فارس که در راستای تأمین منافع تجاری - سیاسی این قدرت استعمارگر بود، سبب شد تا در سال ۱۸۱۲م/ ۱۱۹۰ هـ-ش نمایندگی سیاسی خود را در بوشهر تاسیس کنند.

از این زمان به بعد آبهای گرم خلیج‌فارس و همچنین بندر بوشهر از لحاظ تجاری و سیاسی برای دولت انگلستان و دولتهای دیگر اروپائی نهایت اهمیت را پیدا کرد.

در این دوره، خیل سفرا، مأموران سیاسی در لباس سیّاح و بازرگان از طریق بوشهر به فلات ایران سرازیر شدند، تا هر چه بیشتر اطلاعات جغرافیائی و مردم‌شناختی درباره ایران کسب نمایند. تردیدی نیست، که حضور قدرتمندانه انگلیس در خلیج فارس به دلیل اهمیت بندر بوشهر برای بریتانیا بوده، این مهم نیز سبب گردیده، تا کشتیهای جنگی انگلیس چهار بار در دورهٔ قاجار به بهانه‌های واهی بوشهر را مورد هجوم قرار دهند.

با یک بررسی اجمالی روزنامه وقایع اتفاقیّه که به همت شادروان میرزا تقی خان فراهانی (امیرکبیر) از روز جمعه پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ هـ-ق تا پنجشنبه ۲۸ محرم ۱۲۷۷ هـ-ق انتشار می‌یافت، چنین به نظر می‌رسد، که حجم قابل توجه‌ای (در مقایسه با دیگر شهرهای ایران) از اخبار این روزنامه به مسائل دیوانی و حکومتی، شرایط اقلیمی و آب و هوائی وحوادث و رویدادهای بندر بوشهر اختصاص یافته و همانگونه که دوست دانشمندم جناب آقای صداقت‌کیش - استاد دانشگاههای شیراز - می‌نویسد، اخبار بوشهر در روزنامه وقایع اتفاقیّه، متنوع‌تر از بندرعباس وگاه شیراز آن زمان بوده است.

از بررسی این نشریه چنین استنباط می‌شود، که در مجموع بندر بوشهر در اخبار دورهٔ ناصری برای خود عنوان مستقلی داشته واین چیزی نیست، جز توجه دولت و دولتمردان قاجار به بوشهر.

همانگونه که نوشتیم، بوشهر در دورهٔ قاجار یکی از باشکوه‌ترین بنادر تجاری ایران بوده، و حضور قابل توجه تجار و بازرگانان داخلی و خارجی در این بندر سبب گردیده بود تا این افراد برای محل کار و زندگی خود، بناهای زیبایی احداث نمایند، انگونه که در گزارشهای سفرنامه‌نویسان و تاریخ‌نگاران دورهٔ قاجار که در آن زمان از این بندر دیدن کردداند، بارها از شکوه و زیبایی معماری بوشهر در دورهٔ قاجار سخن رفته است.

امروزه بعد از گذشت دو سده، از آن همه بناهای مجلل و زیبا فقط نامی و یادی باقی مانده، و خواننده در آثاری چون «آثار عجم»، «فرصت‌الدوله شیرازی» و آثار ارزشمند «سدیدالسلطنه کبابی» و دیگر آثار نویسندگان دورهٔ قاجار می‌خواند، که از بناهای زیبای دورهٔ قاجار «عمارت چهار برج»، «امیریه»، «عمارت تل‌خلعتی»، «عمارت‌های گلشن»،



«کنسولگری آلمان»، «کنسولگری هلند»، «کلیسای کارملیتها»، «عمارت حاج رئیس» و ... بوده‌اند، که از بعضی از آن آثار تاریخی، فقط اتلال و دمنی باقیمانده است.

از جمله آثار تاریخی بندر بوشهر «آب‌انبار قوام» است، که روزگاری رونق خاص خود را داشته و مهمترین وسیلهٔ تأمین آب مشروب این بندرِ نیازمند آب شیرین، بوده است.

در این پژوهشِ مختصر برآنیم، تا روند تاریخی ساخت و تعمیر «آب‌انبار قوام» بوشهر را مورد بحث و بررسی قراردهیم.

* حاج میرزاعلی‌اکبرالملک (۱) واندیشه تعمیر آب‌انبار بوشهر:

قوام‌الملک در سفر دوم خود به بوشهر که در ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۲۷۱ هـ-ق با فوج اصفهان از شهر شیراز به سمت بوشهر حرکت کرده بود، در طول مسیر خود همه جا با استقبال گرم مردم روبرو شده، و در این سفر کارهای مردم نیز رسیدگی می‌نماید. (۲)

قوام‌الملک در ماه جمادی الاول همان سال با بررسی وضع بوشهر متوجه می‌شود، که آب‌انبار بزرگی در نزدیکی برج دریائی و در سمت جنوب‌غربی شهر سالها به صورت مخروبه رهاشده، بنابراین، بنّا و عمله می‌فرستد، تا خاک آن را بیرون آورده، زمین‌های اطراف آنر ا تسطیح کنند، تا دیواری در اطراف آن احداث نماید، بدین منظور که در هنگام بارندگی آب زمین محصور به آب‌انبار هدایت شود. ضمناً زمینهای دور شهر هم به دستور وی صاف می‌کنند و نهری در آن کنده، تا در آن باران جمع شده، و طرف آب‌انبار هدایت شود. (۳)

از گزارش روزنامه وقایع‌اتفاقیه برمی‌آید، که بانی اصلی آب‌انبار قوام، قوام‌الملک شیرازی نبوده، بلکه قبلاً آب‌انبار بزرگی به صورت مخروبه در بوشهر وجود داشته است، اما خدمت بزرگ حاجی به مردم بوشهر آن است، که دوباره این آب‌انبار را مرمت و بازسازی کرده است.

این آب‌انبار دارای ۲۹ اتاق بوده، و آب آشامیدنی ۶ ماه مردم بوشهر را تأمین می‌کرده است. اندازه هر اتاق ۳۰×۱۱×۳/۵ ذرع بوده است. (۴)

عملیات و تعمیر و بازسازی این آب‌انبار بر اساس گزارش وقایع اتفاقیه در ۲۶ شعبان ۱۲۷۱ هـ-ق رو به اتمام بوده است. (۵) اما احتمالاً در سنهٔ ۱۲۷۲ هـ-ق مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

مرحوم «سدیدالسلطنه‌کبابی» در کتاب «پیرامون سرزمینهای شمالی خلیج‌فارس و دریای عمان» هنگامی که درباره چگونگی شیوع مرض رشته (پیوک) و سابقهٔ آن در بوشهر بحث می‌نماید، از جمله می‌نویسد: «این مرض در سال ۱۲۷۲ هـ-ق همزمان با تصرف بوشهر توسط قوای انگلیس در این شهر بندری رواج یافت، و بعید نیست، که عامل اصلی رواج آن، هندیها بوده‌اند، که در قشون انگلیس خدمت می‌کردند.» مؤلف در ادامهٔ نوشتار خود می‌نویسد: «این هجوم قوای انگلیس مقارن است با ساخت آب‌انباری که میرزاعلی اکبرخان قوام‌الملک در بوشهر گذاشته، و میرزااحمدخان وقار شیرازی درباره ماده تاریخ آن چنین گفته:«قرین نمود ملزم راقوام‌الملک باعمان، سنهٔ ۱۲۷۲ هـ-ق»(۶)

حاج قوام‌الملک شیرازی در سال ۱۲۷۲ هـ-ق برای بار سوم به منظور انتظام دشتستان و بندر بوشهر با ۳۰۰ نفر سرباز به این دو منطقه می‌آید، حاجی در اوایل رجب همان سال وارد بوشهر می‌شود و مورد استقبال میرزا حسینعلی‌خان دریابیگی حکمران بوشهر قرار می‌گیرد.(۷)

در این سفر حاج قوام‌الملک از آب‌انبار بازدید می‌کند، قرار می‌گذارد طی قراردادی آب مشروب مردم بوشهر که به دلیل باران نصف آب‌انبار پر شده، و هنوز نصف دیگر باقی‌مانده تأمین نماید. حاجی قراردادی با عده‌ای می‌بندد که ۱۴۰۰۰ بار آب بیاورند، و در این آب‌انبار خالی کنند، تا در تابستان مشکلی نباشد. ضمناً طبق این قرارداد برای هر هزار بار، هشت تومان‌مشخص می‌شود،وبه‌آنان‌پرداخت می‌گردد.(۸)

حاج سیّاح که قریب ۲۲ سال بعد از سفر هند (بمبئی) وارد بوشهر شده و مشاهدات خود را درباره آب‌انبار بوشهر به تاریخ ۱۴ رجب ۱۲۹۴ هـ-ق مکتوب داشته، چنین می‌نویسد: «تمام آب بوشهر شور است، و برای خوردن از یک فرسخی آب شیرین حمل می‌کنند، و آب‌انباری که حاج میرزا علی‌اکبر قوام الملک ساخته،که در موقع از آب باران پُر می‌کنند، ولکن از عدم توجه مخروبه و معطل افتاده». (۹)

از نوشتار حاج سیّاح چنین برمی‌آید، که از اهتمامی که نخستین سالهای تعمیر آب‌انبار توسط حمکران بوشهر میرزا حسینعلی دریابیگی برای نظافت و پاکیزگی آن انجام می‌گرفته، خبری نیست، زیرا در یکی دیگر از گزارشهای وقایع اتفاقیه می‌خوانیم که: «دریابیگی با آب باران آب‌انبار را می‌شویند تا بوی آهک، گچ و ساروج از آن برطرف شود.»(۱۰) شایان نگرش است، که آب‌انبار قوام در سالهای واپسین‌تر نیز همچنان یکی از منابع اصلی تأمین آب آشامیدنی مردم بوشهر بوده، زیرا در سال ۱۳۰۳ هـ-ق که «فرصت‌الدوله شیرازی» قصد زیارت عتبات عالیات داشته، و در سفر خود از بوشهر نیز عبور کرده، در کتاب خود «آثار عجم» از آب‌انبار قوام سخن گفته و می‌نویسد: «برای اهل بوشهر از جهت آب شیرین کاری بسیار سخت است، می‌باید از چاههای نیم فرسخی و یک فرسخی آب بیاورند، که فی‌الجمله شیرینی دارد ولی ناگوار است. آب انباری در سمت جنوب غربی شهر، مرحوم حاج میرزاعلی‌اکبرقوام‌الملک ساخته که سابقاً مرقوم شد، و آن برکه از آب باران پر می‌شود و چندی مردم از آن کامیاب‌اند.»(۱۱)

آب‌انبار قوام در زمان زمامداری قوام در سالهای زمامداری پهلوی اول و دوم نیز همچنان یکی از منابع اصلی تأمین آب مشروب بوده، تا اینکه به گفته یکی از معمّرین بوشهری در زمان فرمانداری «زند» مردم بوشهر از آب لوله‌کشی برخوردار شده، و این آب‌انبار به صورتی مخروبه به ورطه فراموشی سپرده می‌شود.

در سال ۱۳۷۶ هـ-ش شهردار بوشهر- جناب مهندس اسکندرپور - در اندیشه بازسازی این بنای تاریخی مخروبه بصورت «قهوه‌خانه سنتی بوشهر» درآمده، که امروزه یکی از مکانهای دیدنی بوشهر است، و این اقدام فرهنگی ایشان جای تشکر و قدردانی دارد.

پی نوشتها

۱- میراز علی اکبر قوام‌الملک، خلف مرحوم حاج ابراهیم کلانتر صدراعظم دورهٔ لطفعلی‌خان زند و فتحعلی‌شاه قاجار است، که به نوشته مرحوم فرصت‌الدوله شیرازی سالهای دراز در فارس کلانتر و فرمانروا بوده، و بناها و عمارات بسیار تعمیر و احداث نموده، و از جمله اقدامات خیرخواهانه ایشان کاروانسرای میان کتل شیراز - بوشهر، تجدید بنای مسجد جدید شیراز و مرمت مدرسه خان شیراز بوده، همچنین برکه‌های بسیاری احداث نموده، که از جمله آب‌انبار قوام در بوشهر می‌باشد. در سالهای آخر عمر در جوار مرقد حضرت امام رضا(ع)، اقامت گزید، و در سال ۱۲۸۲ هـ-ق در آنجا وفات یافت. / ۲- وقایع اتفاقیه، شماره ۲۲۷، ۲ رمضان ۱۲۷۱هـ-ق، ص ۵. / ۳- همان، صفحه ۵. / ۴- همان، صفحه ۵. / ۵- همان، صفحه ۵. / ۶- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی‌خان، پیرامون خلیج‌فارس و دریای عمان، به کوشش احمد اقتداری، انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۱، ص ۱۱۷. / ۷- همان، وقایع اتفاقیه، شماره ۲۶۹، ۲۶ صفر ۱۲۷۳ هـ-ق، ص ۵. / ۸- همان، وقایع اتفاقیه، صفحه ۵. / ۹- سیّاح حمید، خاطرات حاج سیّاح، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۶، ص ۱۲. / ۱۰- همان، وقایع اتفاقیه، شماره ۲۶۹، ۲۶ صفر ۱۲۷۳، ص ۵. / ۱۱- فرصت‌الدوله شیرازی، آثار عجم، انتشارات بامداد، ۱۳۶۲، چاپ اول، ص ۲۷۷-۲۷۶.

****

محروم از چه؟!

کند و کاوی در خصوص علل محرومیت استان بوشهر

محمد اسلامی

استان بوشهر با دارا بودن مرز آبی به طولی بالغ بر ۶۰۰ کیلومتر در قسمت شمالی حوزهٔ خلیج‌فارس قرار دارد و همجوار با استانهای فارس، خوزستان و هرمزگان می‌باشد و با قدمتی به طول تاریخ.

از روزی که خود را شناختم، همواره قید محرومیت بر تارک این استان نقش بسته، و در هر محفل و مجلس و نوشته‌ای با اسم بوشهر قرین بوده است. اما واقعاً ما از چه محرومیم که در طول نظام شاهنشاهی و اکنون که بیست سال از انقلاب اسلامی نیز می‌گذرد، هنوز میگوئیم ما محرومیم.بیش از ۶۰۰کیلومتر طول ساحل بوشهر می‌باشد و زمینه‌ای مناسب برای استفادهٔ بهینه از آبزیان فراهم است، ولی تاکنون اقدامی جدی صورت نپذیرفته. زمینه‌های مناسب جهت پرورش ماهی و میگو در استان فراهم است اما اندک اقدامی که صورت پذیرفته،کلی با وعده و وعیده‌های داده شده توسط مسئولان تفاوت دارد و از آن حمایتهای قول داده شده خبری نیست. بیش از چند میلیون اصله درخت خرما در استان وجود دارد ولی تاکنون اقدامی جهت بهره‌برداری صحیح و بهینه از این خوان گسترده بعمل نیامده و حتی یک کارگاه بسته‌بندی خوب در استان وجود ندارد.

کار احداث سدی بنام رئیسعلی دلواری که در ۷ سال گذشته شروع شده، تازه تونل انحراف آب آن پایان پذیرفته است. با اینکه معدن‌های عظیم سنگ، گچ، سیمان و غیره در استان وجود دارد، ولی تاکنون بهره‌برداری صحیح از آنها بعمل نیامده است. چندین بندر بزرگ و کوچک در استان وجود دارد ولی وضعیتی بوجود آمده که همگی، حسرت دوران پررونق گذشته را می‌خورند.

بر روی دریای نفت قرار داریم ولی این نعمت نصیب دیگران می‌گردد. یکی از پالایشگاه عظیم گاز جهان را در اختیار داریم، ولی دریغ از درصدی از سود آن برای مردم این استان. حتی بدبختانه کارگران سادهٔ این امکانات گازی و نفتی نیز اکثراً از خارج استان می‌باشند. به راستی چرا؟ چگونه کفران نعمت می‌کنیم و می‌گوئیم محرومیم؟ کسی نیست بپرسد از چه محرومیم؟ من با خود اندیشیدم و فهمیدم که ما محروم نیستیم بلکه مرحومیم. همهٔ مشکلات از خود مردم ماست و باکمی تأمل به نتایج زیر می‌رسیم:

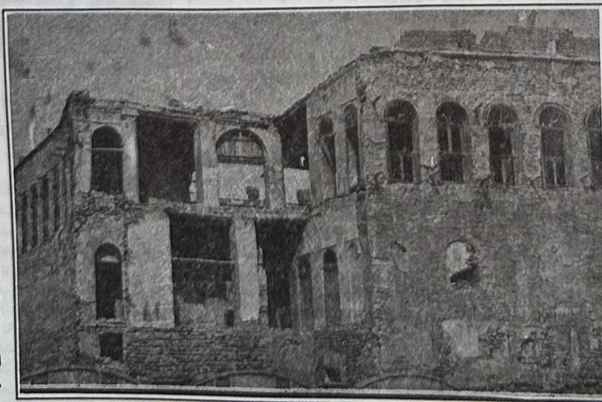
۱ - ما از لحاظ نیروی انسانی واقعاً کم نداریم. اکنون هستند بسیاری از تحصیل کرده‌ها و مدیران و اساتیدی که در خارج از استان بسر می‌برند و در جائی خارج از این استان مشغول به کار می‌باشند و این به خاطر روحیه و فرهنگ بسیار زشتی است که متأسفانه در بین مردم ما رواج دارد و آن عدم تحمل مدیران خودی است. بجای آنکه مدیران هم استانی خود را تقویت کنیم، به محض احراز مسئولیت آن مدیر از هر طرف شروع به کارشکنی و تضعیف مدیریت می‌نمائیم. تحمل داشتن مدیری از طرف خود نداریم. این باعث شده که اساتید و مدیران بعد ازمدتی کار در این استان به خارج از استان مهاجرت نمایند و ما اکنون شاهد هستیم که اکثر مدیران کل ادارات و کارخانجات و حتی تجّار، صاحبان کارخانه‌ها و غیره از بیرون استان هستند. البته تجربه ثابت کرده است که اکثر کسانی که مدیریت بخشهایی از این استان را دست می‌گیرند، بعنوان کارگاهی جهت کسب تجربه از آن استفاده نموده و پس از مدتی در یکی از بهترین استانها و پستهای کشور به کار گمارده می‌شوند. این عارضه بر تمام سطوح اعم ازنظامی و اداری و خصوصی وجود دارد.

۲- یکی دیگر از عوامل محرومیت را در بی‌تحرکی مردم استان می‌توان دید. مردم نسبت به آنچه که پیرامونشان می‌گذرد، بی‌تفاوت هستند. انگیزه مشارکت ندارند و همواره از مشکلات در پستوی خانه‌هایشان نق می‌زنند و شکوه و شکایت دارند ولی در صحنهٔ عمل هیچ.

این استان بهشت مدیران است. هیچ بازخواستی از طرف مردم نیست، لذا مدیری به آرامی چند سالی را در این استان سپری میکند و بعد نوبت دیگری!

۳- از جمله علل مهم دیگر عدم پیشرفت استان، بکار گماردن افراد بر سر پستها و منصبها بر اساس روابط و نه شایستگی است. مسلماً مدیری که بر اساس رابطه و نه لیاقت انتخاب شود، به فکر حفظ مقام و منصب خود است تا مردم، این مدیر چطور می‌تواند برای مردم خدمت کند؟

۴- مورد مهم دیگری که یافتم، ضعف نمایندگان مجلس در ادوار مختلف بوده است. البته بودند چندتائی که شناخته شده بودند، ولی تاکنون استان از این حیث ضعیف بوده است و به هر حال ما از این امکان که عامل اصلی آن باز هم مردم هستند ، محروم هستیم . چرا که ملاک گزینش افراد، در برخی از موارد نه صلاحیت تعهدی و تخصصی افراد، بلکه قول گرائی و باند بازی و اعمال نفوذ بوده تا انتخاب صحیح. نگاهی به سؤالاتی که از تریبون مجلس از وزرا می‌شود خود شاهد قضیه است. استان بوشهر جزء آخرین استانها از این حیث می‌باشد. خوب چگونه میتوانیم پیشرفت کنیم. وقتی نمایندگان ما در مجلس، سر به زیر رفت و آمد می‌کنند و به هیچ کسی کاری ندارند. البته موارد زیاد دیگری هم هست که در این مختصر نمی‌گنجد.ولی امید است که با اجرای برنامه‌های دولت آقای خاتمی رئیس جمهوری محبوب، این استان دچار تغییر و تحول گردد و لازم است در این مورد هر کسی در هر گوشه از استان به نحو احسن مسئولین را در اجرای برنامه‌هایشان



مساعدت و همراهی نماید و از پرداختن به مسائل حاشیه‌ای که فکر مسئولین را به خودمشغول نماید، بپرهیزد و در این بین، مسئولیت نیروهای انقلابی بیش از پیش می‌باشد و باید پیش قراول حمایت از این دولت و مسئولان آن باشند. البته وظیفهٔ نظارتی خود را به عمل آورند، که‌این باغوغاسالاری وایجادجشن متفاوت‌است.

تئاتر بعد از انقلاب در بوشهر

حسین دهقانی

همانطور که درجهان، تئاتر تابع شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی و محیط زیستی روز بوده، و در روند تکاملی خود دائماً در حال تغییر و تحول، یعنی گاهی تکیه بر اریکه «زئوس» می‌زده و زمانی دیگر در پرخاش پرومته علیه خدایان اتش می‌ربوده و به انسان هدیه می‌کرده، وقتی دیگر بردگان را به جان هم می‌انداخته یا شیران درنده را از گوشت انسانها سیر می‌کرده و یا قرنها میان دیوارهای سرد و بتونی با افکار متحجر کلیسائیان وسطائی رقص موریس و شمشیر و مصائب مسیح می‌آفریده تا عصر شکوهمند شکسپیر، کرونی، برشت، آرتو و دیگران، همیشه ناگزیر به حفظ شرایط موجود بوده، می‌کوشیده که این هنر ارزنده انسان در هر موقعیتی زنده و جاودان و مانا بماند.

بوشهر این بندر کهنسال خفته بر خلیجی پراغوا، که سریر آستانه آبهای گرم بی‌کران نهاده و خاک توفنده‌اش بارها ضربات چکمه‌های بیگانگان را در درازای تاریخ تجربه کرده است، با عمر کوتاه چند ده تئاتری خود، همین اُفت و خیزها را داشته، یعنی زمانی در نمایش تعزیه، زبان به اعتراض می‌گشوده و حماسه خونین انسان را نشان می‌داده و گاهی در عروسیها با اشکال کمیک به جستجوی کلید محک (گم‌شده) می‌گشته، وقتی دیگر در مناسک و مراسم تبلور می‌یافته و یا تاریخ عهد نیاکانش را از ایلام تا امروز مرور می‌کرده است.

این مقدمه کوتاه را بیشتر به این مقصود نگاشتم که این جوثومه گونه‌گون هزار لا می‌تواند به انواع نماد و اشاره خود را در جامعه انسانی مطرح کند و با اشرافی که بر هارمونی حیات دارد، همیشه اولین جستجوی انسان باشد برای رسیدن به کمال مطلوب.

تئاتر بعد از انقلاب در بوشهر هم، زبان حالی دارد، هر چند پیوندش با پوسته قدیمی اجتناب‌ناپذیر است اما خود دگرگونه شوری دارد انقلابی و با فراز و نشیبی قابل بررسی. زمانی در عصر فطرت به سر برده و منتظر جرقه توفنده انسانها برای رهائی از دوران ستمشاهی شده، یعنی سال ۵۷ سال عروج و حرکت دریائی خروشان مردم، سال تئاتر خیابانی. در این سال نمایش نیز مثل هر پدیده دیگر تابع شرایط و اوضاع اجتماعی قرار گرفت، به جستجوی گمشده‌اش که همانا عنصر ناب و یافت می‌نشودها بودگشت.

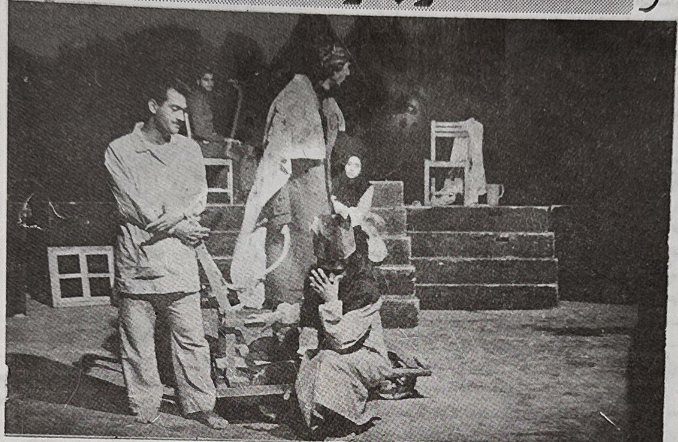
در نَفَس بوی باروت و تماشای لاله‌های گلگون به دنبال درک استیتک و جوهر هستی کاوید، و در اوج فریادهای اعتراض تجربه اندوخت و همنوا با موج انسانی، تراژدیهای بزرگ قرن بیستم را رقم زد. اگر چه در امر عملیِ نمایش ظاهراً خاموش بود، اما فریادی درونی داشت، روح طاغی و سرکشش دراندرون تن نمی‌گنجید. مترصد فرصتی تا تمام موجودیش، را به نمایش بگذارد.

اندک اندک تپش اولیه فرو نشست، بهاران خجسته شد و دیو ظلمت از آسمان این مرز و بوم گذشت، هوا لطیف و شاعرانه شد، تئاتر گامهای مصممش را برداشت. دیباچه در نمایش آموزگاران نوشته محسن یلفاقی به کارگردانی حقیر و بازیگری آقایان عباس جوادی، اصغر جوادی، علی فریاقی، عزیز رضازاده و رجب علیزاده رقم خورد.

عده‌ای که تنشان هنوز گداخته و ملتهب حرکتهای انقلابی بود، آموزگاران را متهم به تفکرات لائیک و الحادی می‌نمودند، شاید در آن زمان چنین رفتاری طبیعی می‌نمود. اما نمایش که درد معلمان کشور را در دوران ستمشاهی مطرح می‌کرد، راهش را تا پایان طی کرد و زمینه‌ساز نمایش در روزهای آتی شد. البته در ابتدا نیروهایی که در خط نمایش قرار گرفته بودند، همه سری پر شور داشتند و دغدغه‌ها بیشتر تمایل به شعار داشت تا واقعیتهای مطلوب تئاتری. فضا هم مناسب نبود. هر کس سعی می‌کرد آراء و نظرات خودش را حاکم کند.

دست به هر کاری می‌خواستی بزنی موج مخالفت مثل سد سکندر در مقابلت ایستاده بود. زدن مارک هم چه از جنس چپ و چه از جنس راست از آب خوردن آسانتر بود. بهتر است این دوره را به لحاظ انگیزه‌های جوشنده، دوره تئاترهای انقلابی نام بگذاریم. تا سال شصت‌ویک که آقای رمضان امیری که سرایدار را کار کرد و از آن زمان به بعد علی غلامی به قول رمضان امیری سکان‌دار تئاتر بوشهر شد. او که فرهنگی دلسوخته بود با همه سختیها و کج اندیشه‌ها ساخت و با کمترین منظور، مقصودش را بیان کرد. غلامی از مدرسه آغاز نمود، جوانان پرشور و علاقمند را جمع کرد و با اشتیاق و سر پرشور نمایش‌های مختلفی بر روی صحنه برد.

در این هنگام آتش جنگ تحمیلی زبانه می‌کشید و همه چیز را در شراره خود می‌سوزاند، نیروهای جوان در نقش ارتش



مردمی به صحنه‌های نبرد و بسیج شدند، تا آنجا نمایش شهادت و ایثار را اجرا نمایند. علی غلامی نخل سوخته را نوشت و نشانه‌های نمایش را میان خیل مشتاقان تئاتر رونق داد. نشانه‌هائی از جنگ و نبرد انسانها. علو چاه را زارع‌کار به تهران برد، او مهاجری از خطه نبرد بود و حالا در سنگر فرهنگی می‌جنگید. زیر باران گلوله و آتش اولین جشنواره ارشاد اسلامی شروع به کار کرد. نمایش حماسه مقاومت کم‌کمک شکل گرفت تا به عنوان فصلی بعد از تئاتر انقلابی، حرف مطرح باشد. بوی تئاتر در فضای تاریک سالنهای نمایش پیچید و انبوه عاشقان نمایش در کنار هم بر گرمی بازار تئاتر افزودند. کمی بعدتر جشنواره نمایش جوان سوره از گرد راه رسید و تنور را گرمتر کرد.

سالهای بعد از انقلاب شاهد کارهای قابل توجه‌ای از آقای احمد آرام هنرمند خوب استان بوده‌ایم. او که با اندوخته فراوان تئاتری و ادبیات نمایشی و ریشه در سالهای قبل از انقلاب، علاوه بر اینکه به عنوان نویسنده نمایش در تعلیم و تعلم هنرمندان نقش والایی ایفا نمود، کارهای ارزنده‌ای نیز خلق کرد که می‌توان از جلیقه نجات زیر صندلی شماست، قلب‌الاسد، خانه تلخ، صفدر و صفورا، نام برد. همه این اجراها جزء نمایشهای موفق این سالها به حساب می‌آید، که توانست در جشنواره‌های مختلف بعنوان کارهای برتر مطرح باشد.

همچنین بازیگر خوب تئاتر که همیشه ما را به یاد نمایش بزرگ ایرج صغیری یعنی قلندرخونه می‌اندازد، آقای علی‌اکبر فرجی با کار روی نمایش عارفانه پیرچنگی فصل جدیدی در نمایش عارفانه گشود.

نقش زنان نیز در کارهای نمایشی و حضور صادقانه آنان در صحنه‌های هنر به تئاتر جانی تازه بخشید، به جرأت می‌توان گفت وجود این خواهران از اتفاقات نادری بود که بعد از انقلاب در تئاتر استان رخ داد. هنرمندانی همچون خانم زینب عوض‌پور با نمایشهای مناسب مختک، عنکبوت، جاده سفید، عقوبت، خاتون کربلا. همچنین خانم وحیده رفعت‌نیا با اجرا خوب هزار پرنده و خانم نصرت الزمان وادی با اجراهای موفق خط موازی و دستهای آبی و بازیگران پرقدرتی همچون خانمها شعله عباسزاده، سیده‌فرزانه‌السادات رضازاده، اشرف سلطانی‌نیا، رویا سرکوبی، میترا خواجه‌ئیان و محترمه‌های دیگر که ممکن است از قلم نگارنده افتاده باشند همه این عزیزان سهم بزرگی در تئاتر این استان داشته و دارند.

بعد از انقلاب توجه هنرمندان به نمایشهای مدرن (آوانگارد) که زاینده تفکر و تعقل قرن بیستم بود و همراه با تکنولوژی اروپائی از مرزهای وسیع به میهن وارد، و بوشهر نیز پذیرای آن شده بود از زیر نگاه پرسشگر این عزیزان جستجوگر نوگرا گذشت. هنرمندان با استعدادی که با درک این روند به افتخارات مهمی در صحنه تئاتر نائل شدند. آقای علی قربانی هنرمندی با تجارب ارزنده و نمایش خوب پذیرائی در سیلاب، آقای رامتین مرادی با نمایشهای اسکی روی یخ، ویزویز باکتریها، ترمینال پرواز، آقای پیمان زنده‌بودی با خلق نمایش خاک و خورشید، ماه منیر، آقای ایرج حسین‌پور با نمایش سینمای نوستالژیا.

از چهره‌های پرکار بعد از انقلاب که حالا همگی به پختگی لازم رسیده‌اند، می‌توان از آقای مرتضی فیروزی با نمایشهای کبوتر خونین، جواهر، حدیث خون و یندای ماهرخ نام برد. همینطور آقای مراد معماریان با نمایشهای بازیگ... خطهای موازی. آقای علیرضا میرشکاری با نمایشهای ارش... زنده و قدرت الفبا و اسماعیل قیصی‌زاده با نمایش زندگی در... بیست و آقای حسین جوکاری با نمایش بن‌بست و بانوی... باران و آقای عبدالرحمن برزگر با نمایشهای ندای باغبان... آه، آقای شاهین طرفی با کار در دو نمایش بندو آلبوم خاطرات و آقای ماشاءالله وحدتیان با پیرچنگی و آقای مجید کاظمی... بانمایش سرپله و جزیره در گرداب آقای عباس شاهپیری... اما پیر نمایش که بیشترین لحظات زندگیش را خرج هنر تئاتر کرده و به حق قابل تقدیر و تشکر است. کسی که ده‌سی همدوش با آقای ایرج صغیری بنای نمایش... گذاشت. او در کنار یاران همیشگیش آقایان غلامحسین... بارونی و جواد تلیان همچنان مقاوم و استوار پیش می‌رو... آقای رمضان امیری را می‌گویم با اجراهای خوب و بیاد ماندنی هفت لیوا، فصل پنجم، زائران برزخ و با بازیگری پرتوان در نمایشهای مختلف و این اواخر توجه به نمایش روحوضی که... جمله کارهای مهم و قابل تعمق این هنرمند کهنه‌کار بوشهر... می‌باشد.

میان تجربه‌های نخست می‌توان از هنرمندانی نام برد که... آغاز حرکت، کار قابل قبولی به نمایش گذاشتند. عزیزان... همچون محمد علی سلحشور با نمایش لوله خرابی و احـ... دهباشی با نمایش خاک عشق و خانم رابعی با کار اسطوره... بنام سمفونی حیات.

سالها هنرمندان تئاتر بوشهر با نمایشهای مختلف، با سبک... و شیوه‌های بیانی متفاوت در قالب جشنواره تئاتر جوان سو... و به همت و کوشش بی‌دریغ سازمان تبلیغات اسلامی... شکوفائی این هنر انسانی کوشیدند و جایگاه ویژه‌ای برای... بست و گسترش تئاتر فراهم آوردند.

با ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی و تشکیل گروه نمایش... زحمت و همت آقای احمد جولانی مدرس دانشگاه هنر در... گرایش بازیگری کارگردانی و ادبیات نمایشی، توجه به... آموزش و شناخت آکادمیکی هنر که تا آن زمان چندان... نبود به آسیاب هنر نمایش روغن زد و شتاب آن را به سمت تعالی تسریع نمود. درواقع وجود اساتیدی آگاه و با فرهنگ... محیط دانشگاه حیاتی فکور به تئاتر استان بخشید... حاصل آن اولین جشنواره بهار آزادی بود که گام دیگری... سوی تئاتر پویا برداشته شد.

از سال ۶۹ آقای محمد لطفی به جشنواره‌های کارگری... سراسری راه یافت و نمایشهای موفقی را به اجرا درآورد... می‌توان از پلتن، حماسه بندر، فیدوس، ظلام، سنگدل... هورج نام برد. همه متون یاد شده دارای اندیشه‌ای قومی... سنتی بوده و مورد توجه جشنواره‌ها علی‌الخصوص جشنواره... کارگری قرار گرفته است.

تأسیس حوزه هنری به تلاش و کوشش آقای عباس... شاهپیری و تشکیل کلاسهای هنری بطور مداوم و پیگیر باعث... شد تانمایش کارگاهی زاده شود که مأمن مطمئنی برای... هنرمندان تئاتر گردید و اولین جشنواره کارگاهی با همه... کاستی‌ها در قالب ده نمایش کوتاه و ده متن بصورت اتودزنی... به اجرا درآمد و هنرمندان تجارب کارگاهی را نیز محک زدند... در کنار همه ارزشهای نمایشی یاد شده که بطور خلاصه به قلم... کشیده شد و شاید بعضی از نامها به علت فراموشی از خاطر... افتاد باشد که امید بخشش و پوزش است. نقش والای... مطبوعات ویژه هنر نمایش که همسنگر با نمایش گام زدند و... اشاعه فرهنگ معنوی جامعه کوشید هرگز از یاد نخواهد رفت... و بصورت گنجینه‌ای مفید باقی خواند ماند، می‌توان در این... میان از مجموعه‌های نفیسی همچون روایت صحنه و سوره... با مقالات و نقطه نظرات هنرمندان و معرفی خلاقیتها... پاسدار هنر شکوهمند نمایش گردید نام برد.

آیا شما بانی هنر متعهدید؟

کلامی با حوزه هنری و نماینده تئاتر میراث

باید حرف ناحق شنید و چیزی نگفت؟ تا کی باید خودخوری کرد تا این حرفها عقده شود. مشکل کم داریم که باید اینها را نیز بر آن بیافزائیم. این چند سطر ذیل بدون جانبداری از شخص خاص نگاشته می‌شود. همه چیز از جشنواره سوره ۷۶ شروع شد. برخورد بد با گروه نمایشی تابستانه از گناوه در بیانیه هیئت داوران‌و کنار گذاشتن آن تئاتر. (حال به هر نیت بماند) بعد از این جریان مسئول حوزه هنری در سخنانی این برخورد را ناشی از تکراری بودن آن تئاتر دانست.(اما حالا می‌تواند بگوید تئاتر میراث تکراری نیست!؟) وی در سخنان اخیرش در مقابلش عده‌ای نونهال تئاتر در جواب اعتراضیه‌ای گفته است هنرمندان گناوه‌ای بجای تابستانه، زمستانه، بهاره، ... بیاورند - دریغ و افسوس - سؤالهای وارده اینجاست که ۱- آیا زمانی که شما متن نمایشنامه را برای تصویب می‌خواندید ندانستید که تکراری است؟ ۲- آیا زمانی که بازبینی می‌کردید ندانستید که تکراری است؟

نکته دیگر مبنی بر جریان جشنواره سوره، شما مسئولین (بصورت کلی می‌گویم) فقط در فکر کمیت هستید. دل خوش به این دارید که جشنواره‌تان ۱۰ کار دارد و برای اولین بار در ۱۰ روز اجرا می‌شود. این دلخوشیهای شما باعث پسرفت شده و افسوس. ای کاش نمایش بازی اخر را می‌دیدید. تا بدبختیهای ما بر این دلخوشیها را بیشتر درک می‌کردید.

و اما اصل مطلب شرکت تئاتر میراث در جشنواره و اعلامهای افتخارتان. در جوابیه‌اتان نوشته‌اید مرکز اعلام داشته است که ما کارهای منتخب را بازبینی خواهیم کرد و دیگر کارهایی را که مایل به شرکت در جشنواره کشوری باشند و ذکر کرده‌اید که به دیگر کارگردانان اعلام کرده‌ایم می‌توانید کارهای دیگری را برای بازبینی دهید.

این مطالب اعلام شده کذب محض است چرا که کارگردانان جوان استان مستقیماً تقاضای بازبینی کرده ولی از سوی مرکز به این دلیل جواب رد شنیده بودند که در استانهایی که جشنواره سوره برگزار شده فقط کارهای منتخب را بازبینی می‌کنیم. آیا میراث برگزیده جشنواره استانی بود؟ چرا برای توجیه کردن خود چنین حرفهائی می‌زنید. مگر شما بانی هنر و هنرمند متعهد نیستید؟ ... نکته مهمتر آنکه، شما هنرمندان متعهد پس از بازگشت از جشنواره چرا افتخارات دروغین را به تئاتر میراث نسبت دادید. نتایج جشنواره که در هفته نامه مهر و روزنامه ایران به چاپ رسید کذب بودن افتخارات عنوان شده برای تئاتر میراث از سوی شما را تأیید میکند. و نکته اخر اینکه شما که تابستانه را به بهانه تکراری بودن محکوم کردید خود نباید دست به کار تکراری می‌زدید. امید آنکه دیگر این مطلب را رد نکنید که میراث همان شوریدگان است.

ای کاش کارگردان تابستانه نام کارش را عوض می‌کرد تا مصداق کنونی میراث میشد.

البته ما منکر افتخار هنری نیستیم ولی لازم می‌دانیم بگوئیم راجع به تمامی افتخارات استان شما باید مباهات کنید نه فقط افتخارات خودتان. البته ناگفته نماند که جامعه ما شعار قانون‌مداری سرمی‌دهد وقتی مدیری قانون رعایت نمی‌کند چه انتظاری از دیگران دارید. بدون هیچگونه رودربایستی باید گفت که جشنواره سوره هیچگاه تخصص نداشته است تنها دارائیش صداقت بود که آن هم دو سالی است کم‌رنگ است. ما را حلال کنید که حق گفتیم. « امضاء محفوظ »

جشنواره سوره و پسوندهایی مثل...

احمد سهل‌زاده

قبل از هر چیز پوزش مرا بپذیرید از اینک بی‌پرده سخن می‌گویم. زیرا که دلم پر از درد است. و حرفی که می‌زنم شاید حرف خیلی از هنرمندان شرکت‌کنندهٔ در جشنوارهٔ سوره می‌باشد. زیرا در طی گفتگوهائی که با بچه‌های شرکت‌کننده داشته صدق گفته را بیان می‌کند. باری، ما نیز مثل خیلی‌ها مقاله دلگرم‌کننده نمایندهٔ گروه نمایشی میراث را در هفته گذشته در نسیم جنوب خواندیم متاسفانه اینگونه دفاع کردنها فقط بین هنرمندان جوّی منفی بوجود می‌آورد و حتی دیدهای مثبت ... نیز صبرشان سرمی‌آید. وقتی حرف از جشنواره سوره می‌آید همیشه پسوندی هم به بنام بچه‌های مسجد دارد، ولی متأسفانه رئیس حوزه ذکری از این پسوند نکرده هیچ، حتی در جشنواره هم هیچ اهمیتی به کودک و نوجوان داده نشد. تمام کودکان و نوجوانان در بین بزرگسالان به دست فراموشی سپرده شدند. نوشته‌ام را با چند جمله تمام می‌کنم:

۱- تمام گفته‌ها در مورد آقای شوندی از قلم نماینده گروه نمایشی میراث گفته شده، کذب می‌باشد و آقای شوندی در این زمینه صحبتی با ما نکرده است. ۲- با این کارها برای ما ثابت شده است که جشنوارهٔ سوره در بوشهر هویتی ندارد و اگر اسمش را می‌گذاشتند اجرای آزاد خیلی بهتر بود. چون نظر داوران هیچ اهمیتی ندارد. ۳- در جواب نماینده گروه نمایشی میراث که حرف از قدیمی‌های تئاتر می‌زند چه بسا اگر گروه جوانان و نوپایه‌گان در جشنواره شرکت می‌کردند افتخاراتی بیش از این برای بوشهر به ارمغان می‌آوردند، زیرا گذشت زمان و تجربه این حرف را ثابت کرده است چرا که تئاتر جوانان بوشهر در بین استانهای دیگر غنی است.

سوگدار یک هنرمند

مرثیت چامه‌ای در آستانِ هفته کوچ هنرمند بی‌بدیل «نت» و «صحنه» «سعید حاجیوندی» و تعزیتی به برجائیان و سوگداران آن هنر. نام و یادش را همواره پاس می‌داریم.

در غمِ کوچِ تو بیگانه و هم یار گریست
در غیابِ تو نگر «صحنه» چه غمبار گریست
دگر آن «تارِ» تو سرهم ننهد بر دل ما؟
زخمه زد «تار» بر این زخم دل و تار گریست

بودن

یارانِ رهابین همه زین بَند برستند
زین دارِ مصیبت زده زنجیر گسستند
این «پیر جوان کُش» نَه به هنگام درآید
یاران دلِ ما را نَه به هنگام شکستند
چون ژاله زِ آبی به تنِ خاک چکیدند
بر گستره تار و تَبه دیده ببستند
مستانِ میِ مرگ رها گشته و خفتند
یک دسته در این دایره پیمانه به دستند
آن چلچله و اران هُنر غرقهٔ عاشق
نادیده بهار وبه خزان بال شکستند
آنان که به «هستی» غزلِ نام سرودند
«هستند» به هرگاه و زمان گرچه نَه هستند

«امید غضنفر»

بار دیگر میلاد از آتش

امید غضنفر

پیرو درج نوشتار «دیگر خود دانید و انصافتان» به قلم شاعر گرامی آقای «منوچهر آتشی» احتراماً نکاتی رابه ایجاز یادآور می‌شوم:

۱ـ این نوشتار پیرامون جوابیهٔ اینجانب به آقای «عبدالعلی دستغیب» در نشریه وزین «روزان - چاپ اهواز» نگاشته شده بود و حسن نیت نگارنده بزرگوار در سطر سطر نوشتار کاملاً قابل رؤیت بود. فقط نکته‌ای که گویا برای «استاد» سؤال برانگیز بود، بهره‌جوئی از علامت تأکید، و شیوهٔ نگارش و محتوای جوابیه بود که قابل ذکر است شگرد نگارشیِ من در آن یادداشت در عرصهٔ طنز قابل بررسی بود و قصد نگارنده نقد نکته به نکته و مو به موی، مصاحبهٔ جناب دستغیب نبوده و صرفاً خطاهای مقایسه‌ای در عرصهٔ ادبیات ایران وجهان و تأویل‌ها و تحلیل‌های سطحی و عوامانهٔ بعضی از منتقدین را به ایجاز برشمرده‌ام. بطور مثال آقای دستغیب در مصاحبه با «روزان» گفته‌اند: «من مدعی هستم شاعری به بزرگی فردوسی در زمینهٔ شعر دراماتیک و در زمینهٔ غزل، شاعری به بزرگی سعدی نیامده است و امثال «هومر» یا «ویرژیل» باید بیایند و عتبهٔ فردوسی و سعدی ما راببوسند تا چه رسد به شاعران دوره‌ای مانند: لورکا، آراگون، الوار و الیوت! ...».

در زمینهٔ شعر دراماتیک و اپیک (Epique) و نیز قالب غزل کسی منکر جایگاه «فردوسی» و «سعدی» نیست اما ایشان گویا به عمد یا سهواً فراموش کرده‌اند که «هومر» نگارندهٔ حماسهٔ سترگ «ایلیاد» و «اُدیسه» نیز از همین جایگاه در ادبیات کلاسیک یونان و نیز «ویرژیل» سرایندهٔ بزرگ رومی از همین مرتبت در ادبیات باستانی «روم» برخوردارند. حس پاتریوتیستی (وطن دوستی) احساسی شایسته و بایسته است، اما بیان این احساس و پاسداشت سترگمردان ادب و فرهنگ این کهن بوم و براگر به تحقیر ناروا وحقیر انگاشتن بزرگان نام آور دیگر ملل دارای تمدن و فرهنگ دیر ساله منجر شود، واکنش هر کلِک به کفِ آل ادب را باید که برانگیزد، چرا که فرهیختگان لا در مکان بی در زمان، همگی روح یگانه‌ای در ارگانیزم شکوهناک فرهنگ و ادب جهانی تلقی می‌گردند و راز هماره‌گی «هومر» و «فردوسی» در همین یگانگی است که در مقولهٔ «مبادلات بین فرهنگی» قابل بررسی است. شگفت‌آور آن که جناب «دستغیب» با شاعران تأثیرگذار و پیشتاز معاصر غرب آن‌گونه برخورد کرده‌اند که از ایشان بعید می‌نماید. بی‌آنکه اسیر اطناب کلام شویم، ذکر همین نکته بس که اکثریت شاعران بنام معاصر ما از «نیما» تا «شاملو» هر یک به نوعی از آثار این بزرگان، کسانی چون: الیوت، لورکا، پاوند و الوار و... تأثیر گرفته و نیز خود منکر این «تأثیرپذیری» نشده و سبکهای ادبی نظیر «سمبولیسم» و «سوررئالیسم» تأثیر مشهودی بر نامهای کمرنگی چون «تندرکیا» با آن «نثم»های مضحک و «هوشنگ ایرانی» با «جیغ بنفش» که هر دو داعیه «آوانگاردیسم» در ذهن داشتند، بر جای نهاد، که بماند!

۲ـ نکته دوم، سخنی به ایجاز، خطاب به استاد هنوز و همیشه‌ام «منوچهر آتشی» قافله سالار هماره مانای شعر جنوب، می‌باشد.

مَده ای رفیق پندم که به کار درنبندم
تو میان ماندانی که چه می‌رود نهانی

استاد گرامی! همانگونه که در این سالیان که سعادت ارتباط صمیمانه را با شما داشته‌ام، ثابت کرده‌ام که پاسداشت وحفظ حرمت حضور شما را وظیفهٔ یک شاگرد نسبت به استاد تلقی می‌کنم، اکنون نیز با همین احساس صادقانه با فرض آنکه چون همیشه «مانلی» وار، با شما سخن می‌گویم و امیدوارم شما نیز همان احساس سال ۷۱ را در پاسخ به میلاد از آتش داشته باشید که بزرگوارانه سرودید:

نه اکنون / که از زهدان مادر آتش زاده شدی / و در گرفتنت را / توفانی می‌بایست / که اکنون وزیدن گرفته است / ای گذارگاه سیاووش‌ها...

استادا صادقانه بگویم، در آغاز با آن دو نوشتار شما کمی احساسی برخورد کردم، ولی آنگاه که به نیات نجیب نهان - آشکار آن پی بردم، دانستم که شما به گونه Superego (فرامن) با نظارت مسئولانه در اندیشهٔ همبستگی و پیوستگی آل قلم هستید و در پروسهٔ تحقق این آرمان غیر «اوتوپیک» هیچ موردی را از پیرامونیان برنمی‌تابید و ایدون باد که این اندیشهٔ شایگان را شولایِ «باور» بپوشانید.

اگر به تیغم بزنی با تو مرا خصمی نیست
خصم آنم که میان من و تیغت سپر است

۳ـ نکته دیگر آن که آقای سعید مهیمنی در مقدمهٔ مطلبشان درباره «شعر» و «اندیشه» بدون هیچ آگاهی نسبت به مضمون و سابقهٔ بحث مطروحه در نوشتار «استاد آتشی» جملات اهانت‌باری را خطاب به «شاعر جوان» مرحمت فرموده که می‌توانستم در یک بیت خواجه شیراز یعنی: آب و هوای فارس عجب ... پاسخ ایشان را به آدرس شهر «گل و بلبل» پست نمایم که به پاس عدم گسست در پیوست آن «ده نفر و نصفی» سکوت از نوع «مارگوت بیکل» را ارجح دانستم!

۴ـ حسن ختام مقال آن که با احترام به تمامی بزرگان ادب و هنر در چهار سوی جهان از: «حافظ تا شکسپیر»، از «زولا تا چوبک»، از «کافکا تا هدایت» ، «از نیما تا الیوت»، «از لورکا تا شاملو»، «از باربد تا بتهوون»، «از وان گوگ تا کمال الملک» و دیگران و دیگرتران، اکنون برخود می‌بالم که در عطر حضور «اخوان»، «علوی» و «چوبک» نفس کشیده‌ام و شعر حضور «شاملو» و «آتشی» را زندگی می‌کنم. چونان «پیشینیان» که ظهور «هدایت» و «نیما» را زیستند و تولد دوبارهٔ «فروغ» را در آغاز فصل سرد، ایمان آورند.

به پاس نامیاد یکایکشان از جای برمی‌خیزم و زمزمه سر می‌دهم: «درودی بر برجاییان و بدرودی بر خفتگان.»

جواز دوره گردی کلوپ

نقدی بر کتاب آس نحس

● ماشاءالله رضازاده

کتاب آس نحس / نویسنده: محسن شریف /

قصه در ایران عمر کوتاهی دارد. اما با همه این کوتاهی عمر، قصه، خودش را خوب نشان داده است.

بی‌جهت نیست اگر بگوئیم اولین قصه‌ای که مورد توجه همگان قرار گرفت و خواننده را بهت‌زده کرد، کتاب بوف کور صادق هدایت بود. هدایت قصه نویسی را در ایران دگرگون کرد. او با نوشته‌اش خواننده را وادار کرد که به قصه، نه از سر تفنن، بلکه با دیدی باز و با دقت بیشتری قصه را دنبال کند. هدایت پیشرو نثر نوین است و با نوشته بوف کورش همه را مات کرد. هم بدین لحاظ است که هنوز هم کتاب بوف کور مورد نقد و بررسی است. چرا؟ چون بوف کور به راحتی ارتباط با خواننده برقرار نمی‌کند. بوف کور یک کتاب ساده و سرگرم‌کننده نیست. سیالان ذهن است و با ذهن و ذهنیت سر و کار دارد.

بعد از بوف کور کتابهائی از این دست به بازار کتاب عرضه شد. از جمله کتابی که با سیالان ذهن سر کار دارد، آس‌نحس محسن شریف نویسنده بوشهری است که به تازگی به جمع کتابها پیوسته است. آس‌نحس زمان و مکان را نمی‌شناسد. گرچه گاه گاهی صبح را، یک صبح دلپذیر را به رخ می‌کشد. گرچه بعد از ظاهراً یک بعد از ظهر دلتنگ و ملال‌آور را ترسیم می‌کند. اما همیشه نه. جسته و گریخته زمان را بدست می‌دهد.

آس‌نحس بیشتر با شب کار دارد. (شب، خوب و بد ندارد، همه‌اش مثل همند: ناب و سیاه و بدقواره، اول و آخرش یکی است. همیشه به اصل خودش برمی‌گردد. به ذات تاریکی، وقتی هم که از بالای سر روی شانه بیفتد خیلی سنگین است. با جاذبه‌اش آدم را کور و منگ می‌کند. از پای می‌اندازد.) آس‌نحس فیزیکی با قضایا برخورد نمی‌کند. زیرا (بیان خشونت قدرت سیاسی و حذف فیزیکی، زبانِ کتابی را ایجاب می‌کند)* نیازی نیست که ما بدانیم راوی کیست؟ چند سال دارد. موهایش مشکی است و یا جوگندمی است. نیازی نیست که خواننده بداند، پریا کیست؟ زنی که هم فکر، هم‌رأی و هم‌عقیده راوی است، زشت است و یا زیبا؟ بلندبالاست و یا قد کوتاهی دارد؟ راوی که خود نویسنده است و در این ماجرا حضور داشته، آن هم حضوری فعال و مستمر، آس‌نحس را به رشته تحریر درآورده است که چی؟ که نثرش را به رخ بکشد؟ که بگوید من هستم؟! نه. این چنین نیست. آس‌نحس گفتنی‌های زیادی دارد، که اگر با دقت خوانده شود، اسرار هویدا می‌شود. آری، کتاب آس‌نحس یک کتاب ساده نیست. یک اثر هنری است و هنرمندانه پرداخت شده است. این کتاب پر از تمثیل و نماد است. شب نماد است. کلوپ نماد است. دکه نماد است، قرنطینه نماد است. راوی، پریا، ناخدا و... و... همه و همه نمادین است، کلوپ چیست؟ «کلوپ، از شهر و جلگه‌های حاشیه فاصله داشت. جای دلنشین و امنی بود. آنجا را برای شب زنده‌داری و باصفائی ساخته بودند. یک استوانه شگرفی و خاطره‌انگیز، در همهمه مداوم دریا...!» کلوپ جای امن و باصفائی است. کلوپ جای مقدسی است. کلوپ جای همه کس نیست. کسی می‌تواند به کلوپ پا گذارد که زمینه قبلی داشته باشد. کسی که هدفمند باشد. هدفی مقدس در راستای انسانهای مقدس «هر چه باشد کلوپ اسم و رسم دیرینه‌ای داشت. تاریخی بود. سالی یک دفعه جشن می‌گرفت. در و دیوارش چراغانی میشد. با نور مشعل و گدازه‌ها چراغانی می‌شد. سور هم می‌داد.» کلوپ پناه‌گاه کسانی است که در جستجوی دگرگونی‌اند. دگرگونی نو و بدیع، آنجا دارالتعلیم است. «به وابسته‌هایش جواز دوره‌گردی عطا می‌کرد. به آزرده‌ها هم جواز می‌داد فضای آنجا حکمت خویشاوندی داشت. خیلی‌ها را دور خودش جمع کرده بود.»

آس‌نحس یک آثار ساده نیست. یک پدیدهٔ هنری است. زیرا، ظریف، لطیف و با دقت و با وسواس وبا ریزه‌کاریهای خاص نوشته شده است. جای، جای آس‌نحس، نماد و نمود موج می‌زند. ناخدا کیست؟ ناخدا کجا بوده؟ از کجا آمده این ناخدا؟ آمده که چکار بکند؟ «... آن جا را یک ناخدای پیر دنیا دیده ساخته بود. در تعارض ساحل‌نشینی ساختش به یاد گذاشته پرشوری که داشت.» ناخدا در کجا کلوپ دیده که آمده اینجا کلوپ را به راه انداخته. «مسیر اشاره‌اش را دیده بودم. به باغ شهر بود. آن جا پیشترها شکوه راضی‌کننده‌ای داشت. یک نمایش زنده و پهناور زمینی، به اندازه صحن تمام خانه...» این نوشته آدم را به یاد شعری از اخوان ثالث می‌اندازد. ـ پیوندها و باغ ـ لحظه‌ای خاموش ماند. / آنگاه بار دیگر سیب سرخی را که در کف داشت / به هوا انداخت /سیب چندی گشت و باز آمد / سیب را بوئید / شعر ادامه دارد، من نهادم سر به نرده آهن باغش / که مرا از او جدا می‌کرد / و نگاهم مثل پروانه / در فضای باغ او می‌گشت /کلوپ بوسیله ناخدا ساخته میشود، و آدم‌ها در آن رفت و آمد می‌کنند و می‌آموزند. برای چه هدفی؟ که به کجا برسند؟ می‌آموزند که آزادی را به چنگ آورند. و اما! چه پیش می‌آید. و سرنوشت ناخدا چه می‌شود؟ «... آخرش طاقت نیاورد و صدایش درآمد. فریاد نارضائی که ـ آی مردم خوابتان خوش باد ... ! دست بردارید. آسیاب بادی را که نمی‌شود با ورد خاموشی از کار انداخت.» ناخدا از بین می‌رود. ازبینش می‌برند، و بر سر کلوپ و کلوپ رفتگان چه می‌آید. «... بعد از خودش هم به آزرده‌ها رسید. در سلسله آنها موروثی شد. حقشان بود.» و همچنان ادامه دارد. «... آن روز علمدارها پیش از همه از پا درآمدند. انتظارش می‌رفت. غیر از این هم نمی‌شد. برای اینکه همیشه دستی که از آستین درآمده پیدا است.» کلوپ بسته می‌شود و آدمهای کلوپ تار و مار می‌شوند. به دکه پناه می‌برند. نه، نه، آنها را به دکه می‌آورند. دکه چه جائی است؟ اگر دکه و دکه‌بانان نبودند، کلوپ چه وضعی پیدا می‌کرد؟ آیا رهروان کلوپ به مقصود می‌رسیدند؟ و چگونه می‌شود که راه یافتگان کلوپ سر از دکه درمی‌آوردند؟ « میهمانهای ناخوانده بو بردند. یادشان به پشت پرده افتاد. یکی‌شان پرده را پس زد. شنل دیده‌بانی داشت» و ادامه می‌دهد. «بقچه‌ها و بسته‌های سوغاتی را به هم ریخت و ... و ... پریا از ناحیه گردن اسیر بود. خیلی تقلا می‌کرد. من هم با یکی دیگرشان رفتم» بدین طریق کلوپ بسته می‌شود و افراد و کلوپ همگی سر از دکه درمی‌آورند. دکه چه جور جائی است؟ «... به جای پنهان و ناشناسی رسیدیم. به یک حصار غربتی با مقیاس گرمخانه، لای جنگل، میان چند تا حفاظ زنجیری با چند مفصل ریخته‌گری» دکه جای ناامنی است در آنجا آدمها را داغ و درو می‌کنند «بعدها از کارگردان دکه شنیدم که خیر و صلاح زنده‌ها در حجامت دسته جمعی فراهم می‌شود» آس‌نحس پر از رمز راز است، که اگر با دقت خوانده شود، تمثیل‌ها و نمادها برجسته می‌شود و اسرار کشف. و اما حسن آس‌نحس گفته شد. باید عیبش هم گفته شود. اول کتاب که شروع می‌شود تا چندین صفحه که پیش می‌رود، کلوپ و دکه بطور مجزا ترسیم شده است و خواننده از روی خطوط ترسیم شده می‌تواند پی ببرد که کلوپ چیست و چه برنامه‌ای دارد، و دکه چیست و چگونه جائی است. ولی متأسفانه همچنان که کتاب ورق می‌خورد، کلوپ و دکه و قرنطینه و افراد درون کلوپ انگار جایشان با دکه عوض می‌شود و یا بالعکس. البته خواننده تیزهوش می‌تواند دریابد که انگار راوی و پریا و چندتای دیگر، درگذشته دکه را دیده و طعم دکه را چشیده‌اند که یادآوری گذشته را دارند. زمانی که از دکه حرف می‌زنند و زمانی دیگر از کلوپ، که این همان گمان نمی‌رود که عیب باشد.بل همین تداخل ذهنیت است که آس‌نحس را در یک راز پوشیده نگه داشته است. و در آخر، اگر محسن شریف چهارچوب قصه را رعایت می‌کرد یکی از موفق‌ترین نویسندگان این مرز و بوم بود. پایان کتاب گرچه نومیدی و یأس حاکم است ولی امیدواری هم می‌دهد «... صدای مرغ شاهد هم می‌آمد. اما حالا صدایش مثل ناله بود ـ فردا فردا ـ می‌کرد. همانجا توی راه بدرقه با خود گفتم ـ اگر همین دو تا هم بماند کم نیست...»

* جامعه‌شناسی خودکامگی - علیرضا قلی

تنها

سینا برازجانی

بخت حافظ گر از اینگونه مدد خواهد کرد
زلف معشوقه به دست وگران خواهد بود.

در ساحل شنی دریا، با هم قدم می‌زدیم و آب دریا از بین انگشتان پایمان عبور می‌کرد. دریا بود و شب بود و تاریکی و فانوس دریایی و ستارگان و ماه و ما با هم بودیم.

(پای کوه آمده بود. هر وقت آنجا می‌آمد از کوه بالا می‌رفت و با او ملاقات می‌کرد.) دریا، زیر نور ماه موج برمی‌داشت و ساحل را نمناک می‌کرد. فانوس دریایی، پس از هر چند لحظه‌ای که دریا را روشن می‌کرد، دوباره خاموش می‌شد.

(صدای تیشه از کوه می‌آمد. تخته‌سنگها زیر ضربات تیشهٔ "فرهاد" خرد می‌شدند. پس از هر چند لحظه‌ای باز هم صدای شکستن سنگها می‌آمد و او باز سنگ می‌شکست.)

کنار تخته سنگی در ساحل ایستاده بودیم. نشست و پشت به تخته داد. کنارش نشستم. سر روی شانه‌ام گذاشت ... نمی‌دانم چقدر گذشت؟ خواب بودم یا بیدار؟ آنجا بودم یا نه؟ من بودم یا دیگری؟ ... نمی‌دانم، فقط دیدم چشم بسته و خوابیده فکر کردم چه خوابی می‌بیند ؟ ... یاد آن روزها افتادم. من تنها کسی نبودم که دوستش داشتم.

(شیرین شتابان، بالا آمده بود و حالا که نفسهایش به شماره افتاده بود در آغوش فرهاد آرام گرفته بود. او گریخته بود، از "خسرو" گریخته بود. حالا "خسرو" هم خواهان او بود.)

به خود آمدم دیدم کنار تخته سنگی «تنها» نشسته‌ام، مرد و زنی را دیدم که قدم‌زنان در ساحل مرطوب دریا از من دور می‌شدند و فانوس دریایی خاموش بود.

(از کوه بالا می‌آمدند. آنها برای "فرهاد" خبر آورده بودند. خبر مرگ "شیرین". فردا روز "فرهاد" را از غصه نیرنگی پلید با فرقی تیشه خورده بر "بیستون" یافتند.)

مرد و زنی دست در دست هم، زیر نور فانوس دریایی به طرف من می‌آمدند و چشمانی نمناک در تاریکی آنها را دنبال می‌کرد و من پیرمردی ۷۶ ساله بودم.

به آن خانه که تمامی تاریخ است.

نصرت زمان وادی

به میهمانی گل اندیشه، در باغ نور به باغبانی خورشید نشستم.
دیوار اطاقش یادآور هزاران خاطره است، تاریخ است، عشق است.
گل نرگس به شوق دیدن تبسم او هر صبح هویدا و شامگاهان با ترنم صدای لای لای او به خواب می‌رود.
در آن خانه گل نیلوفریست، ایستاده به شمعدانی سلام می‌کند.
گل محمدی به میزبانی گلها می‌نشیند و شبنم را به میهمانی دعوت می‌کند و گل کاغذی را عطری خوش می‌بخشد.
در آن خانه هر کس ستاره‌ای دارد، آن را به نام می‌خواند.
دستان پرفروغ آن خانه سفر عشق را می‌سراید.
دیوار اطاق با تبسمی مرا به میهمانی قصه‌ها می‌خواند.
چشمانی که خورشید در آن خانه دارد مرا به میهمانی نور می‌برد.
خواب در آن خانه آبی است، روز است. شبهای خانه آفتابی است.
مهتاب در آن خانه ضیافتی دارد، میزبان است و تو را با گلوبندی از ستاره بدرقه می‌کند بسوی خواندن.

پاسخ به نامه‌های ادبی

● منوچهر آتشی

● ندا چهرازی - شعر شما در ستایش شاملو در مجموع بد نیست، اما فاقد ایجاز و زبان و شکل لازم شاعرانه است. شما می‌توانید همین احساس خود را موجزتر، روشن‌تر و شاعرانه‌تر بنویسید تا هم سزاوار شأن شاملو باشد هم از شما شعری به سامان و گویا چاپ شده باشد. منتظر شکل موجز همین شعر و شعرهای دیگرتان هستیم.

● علیرضا قائدی - بوشهر. چند شعری که فرستاده‌اید دارای اشکالات عمده‌ای است که مهمترینشان اینهاست:

۱ـ قافیه در بیشتر شعرهای شما نادرست است. مثلاً در شعر «ای مادرم» با آن که احساس شما خوب است ولی سه مصراع اول قافیه و ردیف دارد اما مصراع چهارم فقط ردیف دارد. در نظر داشته باشید که «ای مادرم» در این شعر «ردیف» است نه قافیه. قافیه «برم» و «سرم» می‌باشد و درمصراع سوم هم که ردیف نیامده اشکالی ندارد. همچنین چارپاره بعد باز هم ردیف دارید ولی قافیه ندارید. تا آخر

۲ـ در شعر بعدی هم «آمال» با کار قافیه نمیشود (من است) ردیف است و قافیه‌ها یعنی «آمال»، «کار» و «رویای» نادرست هستند تا آخر شعر.

۳ـ در شعر آخری هم «ببین» ردیف است و قافیه‌ها با هم نمی‌خوانند. ضمناً در چند مصراع وزن شعر هم غلط است مخصوصاً در مصراع چهارم. دقت کنید با مطالعه شعر کهن، بر وزن و قافیه و ردیف مسلط شوید. منتظر کارهای بهتری از شما هستیم.

● علیمرادی - می‌بینید که با رفع اشکالات جزئی شعر شما چاپ شده (یا در شماره‌های بعد چاپ می‌شود). در موارد لازم توضیحات بیشتر داده خواهد شد.

● مختار عباسی - دیّر- غزل شما (شکوه شکوه) بعضی جاها از وزن اصلی خارج شده. خودتان مصراع سوم را با دو مصراع اول و دوم و مصراعهای بعد مقایسه کنید، متوجه می‌شوید. محتوای خوبی دارد. اصلاح کنید و باز بفرستید.

● امید پارسائی‌فر - اگر داستان «او و ابراهیم» را دوباره بنویسید قابل چاپ خواهد بود. با این شرط:

۱ـ خیلی خلاصه‌تر.

۲ـ با لحن خاطره‌ای، بدون توضیح اضافی.

۳ـ بدون دخالت دادن احساسات خودتان در مورد ماجرا.

شما وقتی با آن لحن به ابراهیم و زنش توهین می‌کنید و بعد دلسوزی می‌کنید و بعد باز... این دیگر می‌شود انشاء نه قصه. قصه‌ای که صورت خاطره‌نویسی داشته باشد، باید بی‌طرفانه بطور طبیعی نقاشی شود. قدرت نوشتاری شما بد نیست یعنی خوب هم هست. ولی با تکنیک قصه نویسی آشنا نیستید. منتظر آثار بهتر شما هستیم.

● م. سپنتا - بندر دیر- درباره دو شعر (مکاشفه و بار بیهوده‌ام) نمیدانیم چرا به مبهم سرائی و ناتمام نویسی روی آورده‌اید.سعی کنید در آغاز کار از زبان ساده استفاده کنید و مستقیم حس و برداشت خودتان را از محیط، مناسبات مردم از صافی عاطفه و خیال بگذرانید و شعری با فضا و ساختار خوب عرضه کنید. منتظر شعرهای بعدی شما هستیم.

☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆

به دوستداران شعر و قصه

درخواستهای زیادی بوسیله تلفن و یا نامه از شیفتگان شعر و داستان که مایلند با مسئول صفحات ادبی هفته‌نامه (استاد منوچهر آتشی) ملاقات داشته باشند، صورت گرفته است. قبل از هر چیز یادآور می‌شویم که نسیم جنوب دفتر کوچکی دارد و نمی‌تواند پذیرای تعدادی - مثلاً بیش از سه یا چهار نفر باشد - بنابراین از این یاران صمیمی درخواست می‌کنیم که قبلاً با تلفن وقت بگیرند(شماره تلفن ۳۳۴۴۶) و عصرهای دوشنبه و چهارشنبه هر هفته، سه یا چهار نفری که در پاسخ تلفنها، برایشان وقت تعیین میشود از ساعت ۵ بعد از ظهر به دفتر نشریه تشریف بیاورند و نکته دیگر اینکه - که مهمتر است - این یاران از کسانی باشند که حتماً مطلبی، شعر، قصه‌ای یا مقاله‌ای در زمینه ادبیات همراه داشته باشند و صرفاً هدفشان دیدار و آشنائی نباشد - به همان دلایل که ذکر شد.

شرکت فنی خدماتی

زفاف بوشهر

خدمات اداری، تامین نیروی انسانی، نگهداری تاسیسات، تنظیف، ایجاد فضای سبز و تامین مواد غذائی

تلفن: ۲۲۸۶۵ - فاکس: ۲۳۸۲۲

بامدیریت رضا افر اسیابی پور و محمود دمسعری

ولیعصر

«شیرینی سرا»

با ۲۰ سال سابقه در خدمت شهروندان

کلیه سفارشات پذیرفته می‌شود

بوشهر، میدان قدس، تلفن: ۲۷۱۰۷، فاکس: ۲۳۹۴۱

مسئول: عبدالخالق سهرابی زاده

حسین خسرو زاده و پسران

حق العملکاری - ترخیص کالا

از گمرکات بوشهر و هرمزگان

بوشهر، بلوار دهقان، تلفن: ۲۳۸۷۰ - ۳۴۴۸۵

فاکس: ۲۷۷۶۳ - ۲۵۱۳۲

شیرینی سرای ولیعصر

چغادک

کلیه سفارشات شما با نازلترین قیمت پذیرفته می‌شود.

آدرس: چغادک، جنب مدرسه عاشوری

مسئول: زنده‌بودی و نشاط

رستوران نان داغ کباب داغ

دارای امکانات پذیرائی درسالن و فضای سبز

بوشهر، خیابان فرودگاه، نرسیده به سه راه عاشوری تلفن: ۳۸۱۷۴ مدیر: درساره

تاکسی تلفنی آسمان

مدیر: محمد اسلامی

بوشهر: سه راه باغ زهرا

تلفن: ۳۲۹۱۱

جدیدترین سفره عقد

زیباترین لباس عروس

بوشهر، خیابان لیان، پاساژ میلاد، تالار عروس «گزی» تلفن: ۲۸۷۹۴

مرکز خدمات کامپیوتر بوشهر

بوشهر، خیابان لیان، ساختمان میلاد، تلفن: ۲۸۸۸۰

با مدیریت مسعود حسین‌زادگان

خرید و فروش، نصب و راه اندازی، حروفچینی و چاپ لیزری، کپی CD

فروشگاه نامی

تلفن: ۲۶۷۱۸

بورس مواد غذائی و بهداشتی خارجی

بوشهر، خیابان حافظ جنوبی

گل‌فروشی گلخانه

گلهای طبیعی، مصنوعی، خشک، آپارتمانی و زینتی

بوشهر، سنگی، روبروی یگان ویژه

تلفن: ۳۳۷۱۵ - مسئول: محمد ارمی

گل کده ارم

بورس گلهای زینتی و آپارتمانی، طبیعی و مصنوعی

بوشهر، میدان امام، ردیف سازمان تبلیغات اسلامی

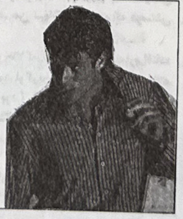
تلفن: ۳۵۶۶۵ - مسئول: احمد ارمی

گالری فرهاد

بورس پوشاک خارجی

بوشهر، خیابان لیان، پاساژ توحید

تلفن: ۲۸۰۶۷



نمایندگی کفش گام GAAM

در استان بوشهر

کلی - جزئی

بوشهر، خیابان لیان ساختمان میلاد

تلفن پخش ۲۳۳۲۵

آگهی استخدام

یک شرکت تولیدی بازرگانی یک نفر مرد با شرایط زیر را استخدام می‌کند.

تحصیلات: حداقل فوق دیپلم / سابقه کار: حداقل دو سال در امور اداری یا تولیدی

سایر شرایط: آشنایی با کامپیوتر و زبان انگلیسی جزء امتیازات است

تلفن تماس: ۲۴۹۰۸ - ۴۶۶۶۸ از ساعت ۳ الی ۵ بعدازظهر

شرکت صنعتی پژواک فن‌آوران خوزستان

نصب و راه‌اندازی سیستمهای حفاظتی، مخابراتی و کامپیوتری

۱- سیستمهای حفاظتی شامل ویدئو کنفرانس، دوربینهای مدار بسته، چشمهای الکترونیکی، مادون قرمز، دستگاه مرکزی استاندارد جهت سیستم اعلام سرقت و اعلام حریق با کنترل از راه دور.

۲- سیستمهای مخابراتی شامل مراکز تلفن دیجیتال با ظرفیت بالا، ماکروویو و سیستمهای اف.ایکس، فاکس و تعمیر و نگهداری سیستم‌ها.

۳- راه‌اندازی سیستمهای کامپیوتری شامل مونتاژ، تعمیر، نگهداری و فروش قطعات کامپیوتر.

آدرس: بوشهر، خیابان شهید استاد مطهری، خیابان شهید دکتر باهنر، سمت راست، بین کوچه ۳ و ۴ پلاک ۱ تلفن: ۳۲۲۰۹ - ۲۸۸۸۰ - ۳۱۸۷۰ فاکس: ۳۲۲۰۹ - ۳۸۳۲۸

مؤسسه پوشاک میلاد

MILAD SHIRT



تولید و پخش پوشاک مردانه

تنوع - کیفیت - نو آوری

آدرس: بوشهر، خیابان لیان پاساژ میلاد

تلفن: ۲۸۵۵۴

فیلمبرداری

همراه با میکس و مونتاژ مدرن کامپیوتری با نازلترین قیمت

فیلمبرداری از مجالس شما پذیرفته می‌شود

خیابان لیان، پاساژ جلیلی، ویدئوکلوپ لیان تلفن: ۲۳۹۱۳

ویدئوکلوپ لیان

عرضه محصولات مؤسسهٔ رسانه‌های تصویری

فیلمبرداری از مجالس

خیابان لیان، پاساژ جلیلی تلفن: ۲۳۹۱۳

اشتراک نسیم جنوب

مشترک شدن نسیم جنوب می‌تواند ما را در ادامه خدمات بهتر یاری دهد. علاقمندان لطفاً فرم زیر را تکمیل نموده و هزینه اشتراک خود را به

حساب جاری ۱۰۶۷۵۱

بانک تجارت شعبه مرکزی بوشهر

(قابل پرداخت در کلیه شعب بانک تجارت)

به نام «یونس قیصی‌زاده» واریز و اصل رسید را به همراه فرم تکمیل شده زیر با پست سفارشی به نشانی: بوشهر صندوق پستی ۱۱۹۹ - نسیم جنوب ارسال فرمایند. مدت اشتراک: ٦ ماه

هزینه اشتراک: ۱٦۰۰ تومان

نام و نام خانوادگی:

نشانی:

کتاب ارتباط سبز

با مجوز رسمی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

کتاب ارتباط سبز با دو زبان فارسی و انگلیسی چاپ و نشر می‌شود و چون در کلیه مراکز عمومی و مجامع توریستی قرار می‌گیرد امکان فراهم آوردن روابط تجاری در سطح گسترده داخلی و خارجی را بوجود می‌آورد

ارتباط سبز رابط شما تولید کنندگان با مصرف کنندگان محترم است



بوشهر - خیابان لیان - ساختمان جلیلی - طبقه همکف

دفتر شرکت مهندسی برق نیرو ساحل بوشهر تلفن ۲٦۰۸۳ - ۰۷۷۱

شیراز - خ - ملاصدرا - چهار راه حکیمی - ساختمان ونوس - طبقه دوم پ ۸

تلفن ۵۹۸۰۸ - ۰۷۱

سفرنامه
باز خودرو قباکلکیانی به بوشهر

تصحیح: مهدی بازیار

اندر حکایت آن حلوای عجیب

روزی منو مرا گفت: یا شیخ! مرا تناول حلوا پدید آمده، به دکانی شویم و قدری یافت کنیم به خوردن. گفتم: مرا حرفه نباشد تا آن چه حلوایی باشد. گفت: بیا خود دانم آن چه حلوا است. پس به دنبال حلوا می‌گردیدیم و آن حلوا بس دست نیافتنی بود.
گفتم: منو! تو را چه شده است که این همه حلوا در دکان باشد و از آن میل نکنی؟ ما را حلوا بسیار در پیش آمد، حلوای شکری عقاب، حلوای تنتنانی، حلوای برنجی، حلوای نارگیل. تو کدام را می‌جوئی؟ گفت: مرا حلوای قدرت بسی خوشتر باشد.و در عاقبت آن را یافتیم. قدری از آن بخورد. گفتم: منو! طعم چگونه باشد؟ گفت: حلاوتی دارد عجیب که در وصف نیاید. بگفتم: یا منو! خدا بر تو رحم کناد. زآن پس منو را حالتی عجیب اوفتاد و حال دگرگون گشت سخت و غضب برناصیه هویداگشت و به هرکس و هر چیز خواستن درآویزد بی‌محابا.
گفتم: یا منو! این چه کردار باشد از آدمی چون تو که عقل باورت بود. گفت: ای شیخک ابله! این چگونه بیان باشد که ما را مورد خطاب قرار می‌دهی. ما آقا منو شاه باشیم و تو در رکاب ما پشیزی نیرزی سپس آن کلام بکار می‌برد که در شأن خاصان و بزرگان باشد. مرا از نادانی و جهالت او تمسخر در دل پدید آمد گفتم: جناب مستطاب منو شاه! هر چه امر مطاع و اوامر قدر قدرتانه آن مولای بزرگوار باشد اطاعت و اجابت آن بر بندگان و ناچیزان واجب باشد.
پس گفت: ای مردک! لازم آید که چیزیَ را شکسته باشم.
گفتم: بفرما تا بهرتان تنقلات فراهم آرم که آن حضرت میل فرمایند بهر شکستن. گفت: مردک! چرا قصه سخیف می‌داری؟ شکستنی باید آنچه که مرا در میل آمده باشد بُوَد.
گفتم: فرمان دار تا مهیا سازم.
گفت: به باشد که گردنت را بشکنم. گفتم: منو شاه! آخر چرا این عمل که مبنای آن بر عقل استوار نَبوَد از مولای بزرگواری چون آن حضرت مستطاب به فعل رسد.
گفت: پس اگر گردنَ را نشائی قلمت بشاید. گفتم مولای بزرگوار آخر این قلم سخیف و ضعیف و نازک اندام چه مزاحمت فراهم ساخته بهر آن مولای عظیم قدر قدرتِ جلالت‌مآب، بزرگ شوکت؟
گفت: این برای من ایمن نباشد. گفتم: یا منو! شأن این قلم چگونه بهر تو ایمن نباشد. این که اندر دست من باشد؟
گفت: ترسم که در دست تو باشد، مرا پای پشت پای شود و بر آن اوفتم و قلم به چشمم شود و دیدگان را آسیب رسد.
پس برجهید و قلم را ستاند و به ضربه‌ای آن را به دو نیم کرد. گفتم: یا منو شاه قدر شوکت جلالت مآب! این چه فعل بود که از آن حضرت سر زد؟ گفت: این از معجزات حلوایی باشد که تناول فرمودیم حالا ما را از آن قلم استخفافی نَبود.
گفتم: یا حضرت منو شاه! پس آن که اندر سر باشد آن را چه فرمائی؟ گفت: آن را قطع فرمائیم تا آسودگی محض پدید آید.
گفتم: بدین فعل که دست یازیده‌ای زیبنده نباشد. ختم آن سقوط باشد. بیا قدری با هم مباحثه بعمل آریم و از لسان منطق همه چیز آید و استدراک.
گفت: ای شیخک ابله! مرا پدر نصیحتی فرمود و گفت با آن کسان که سری در سرِ کتاب دارند و کتابت و مباحثه دارند و مفاحصه همنشینی منما و مرا از این کار بازداشت که گفته‌اند چون بسیار چیز دانند به اندکی وقت شخص را قانع سازند.
پس پدر گفت با مشت برو رخشان بکوب که بهتر باشد.
چون چیزی برآمد با خود گفتم که منو را باید رها سازیم از این حال عجیب که خود هم نداند در چه گردابی است.
بهتر آن دیدم که حال او را اندر میان خلایق برجسته سازم تا خود رسوایی خود بیند و دست از آن حال بدارد و چنین کردم و خلق بدانستند که قدرت زآن پس که تعقلی اندر پس آن نبود چه زیان باشد مر شخص را.
پس منو را تهوع در معده پدید آمد استفراغی از او برآمد و حال دگرگون شده بسر شد.

تیم هندبال تربیت‌بدنی شهرستان دشتستان

تیم هندبال تربیت‌بدنی شهرستان دشتستان در دهمین دورهٔ مسابقات هندبال قهرمانی دسته دوم باشگاههای کشور زیرگروه لیگ دسته اول به مقام پنجم رسید. این دوره از مسابقات به مدت ۶ روز از چهارم تا دهم مهرماه در شهر مشهد برگزار گردید. در این دوره از مسابقات ۱۰ تیم شرکت داشتند.

زندگی در پرتو قانون

ضوابط و مقررات مربوط به خانواده (۲)

اشاره: جهت پاسخگوئی به سوالات خوانندگان عزیز و رفع ابهامات و مشکلات حقوقی آنها از این شماره خانم زیبا هوشیار وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی و قضائی هفته نامه نسیم جنوب از طریق این نشریه مشاور آنان خواهد بود. بوسیله تلفن و یا به آدرس هفته نامه سوالات حقوقی خود را با مطرح کنید.

حب قانون هر چیزی را که مالیت و قابلیت ملک داشته باشد را می توان بعنوان سرّ تعیین نمود و دلالت براین دارد که هر چیزی را نمی توان مهر به حساب آورد چه آنکه می‌بایست به تراضی طرفین باشد یعنی میزان و نوع آن باید مورد توافق زن و مرد باشد، علیرغم اینکه در عرف معمول مهریه را قبل از ازدواج تعیین می‌نمایند قانونگذار منعی برای تعیین آن پس از وقوع عقد ندانسته تا اینکه عدم وجود مهر در هنگام عقد، موجب بطلان آن نیست و ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی تصریح دارد «چنانچه در نکاح دائم مهر ذکر نشده باشد نکاح صحیح است و طرفین می توانند بعد از عقد نسبت به تعیین مهر تراضی نماید، درخصوص استحقاق زن در تملک قابل ذکر است که به محض وقوع عقد، زن مستحق مهریه می‌باشد، با این تفاوت که چنانچه قبل از ایفاء وظایف زناشوئی، مرد بخواهد زن خود را طلاق دهد استحقاق دریافت متعاقب سپری گردیدن مواردگفته شده و وقوع عقد و ایجاد رابطه زناشوئی فیمابین دوطرف، قانونگذار زن و مرد را به رعایت حقوق همدیگر ملزم نموده است و استناد این مطلب ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی می‌باشد که «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند، ضمن اینکه تاکید بر ریاست مرد در خانواده می‌نماید، از نتایج حسن رفتار زن و شوهر نسبت به هم و خصوصاً انجام امور زناشوئی توسط زن، قانونگذار زن را مستحق دریافت نفقه از جانب مرد نموده است و تهیه و پرداخت آن از جمله وظیفه مرد دانسته است که در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ضمن تعریف جامعی از نفقه، حقوق زن در مقابل شوهر و متقابلاً وظییفه شوهر در مقابل وی معین نموده است. «نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت که بطور متفاوت با وضعیت زن مناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء» همانگونه که در ماده فوق مصرح است در مقابل انجام وظایف زناشوئی بوسیله زن صراحتاً مرد را موظف به تهیه مسکن، پوشاک و غذا و اثاثیه مناسب و در خور زن نموده است و جالبتر اینکه چنانچه زن به لحاظ نقص جسمانی و یا عادت خانوادگی نیاز به خادم داشته باشد شوهر می‌بایست برای وی استخدام نماید. البته همه موارد فوق خصوصاً استخدام خادم را می‌بایست با بضاعت شوهر درنظر گرفت زیرا چنانچه شوهر از نظر مالی امکان استخدام را نداشته باشد را نمی‌توان مجبور به آن عمل نمود. لکن درخواست زندگی مستقل و علیهده برای زن از جمله وظایف شوهر می‌باشد که می‌بایست در تهیه آن کوشا باشد.
از جمله وظایف دیگری که برای زن در قانون مشخص گردیده است حضور و سکونت وی در منزل شوهر می‌باشد و نمی‌تواند به بهانه‌های واهی در منزل جداگانه‌ای زندگی نماید فقط در یک مورد قانونگذار اجازه سکون وی در منزلی جدا از منزل شوهر را داده است و آن هم در صورتی که خوف جانی، مالی، شرافتی داشته باشد و آن هم مستلزم اثبات آن در محکمه باشد همانگونه که در ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی می‌گوید: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر اینکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد، درخصوص وظیفه شوهر در مقابل زن در پرداخت نفقه مجدداً قانونگذار زن را مخیّر در اقامه دعوی علیه شوهر استنکاف وی از پرداخت نفقه نموده است که در ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی به صراحت آمده است. و در صورت عدم پرداخت آن، محکمه، توجه به وضعیت شغلی، بضاعت شوهر و نیز شرایط اجتماعی، هزینه زندگی، میزان نفقه را تعیین و شوهر را محکوم به پرداخت آن می‌نماید.
در ادامه قانونگذار برای زن و مردمی که زندگی مشترک خود را آغاز نموده و صاحب فرزندانی شده‌اند را به رعایت تکالیفی ملزم نموده که سرپیچی از آنها موجب ضمان است زیرا در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است.» که در اینجا وظیفه پدر و مادر در نگهداری اطفال خود معین گردیده است بنابراین پدر و مادر نمی‌توانند به بهانه‌های واهی اعم از مسائل مالی و غیره، نسبت به نگهداری فرزندان خود بی‌اعتنا نمایند در ماده ۱۱۷۹، حضانت طفل مذکر را تا دو سال و دختر را را تا ۷ سال که به مراقبت بیشتری نیاز دارد به عهده مادر گذاشته است و پس از آن وظیفه پدر در حضانت آنها معین نموده است. البته این موضوع زمانی محقق می‌شود که موضوع جدائی و متارکه والدین پیش آید در غیراینصورت حضانت فرزندان تا هر زمان که احتیاج به نگهداری داشته باشند از وظایف پدر و مادر است، همانگونه که امتناع از این وظیفه موجب قانون می‌گردد که در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی نیز آمده است که: «در صورتی که هر یک از ابوین که حضانت اولاد به عهده وی است از نگاهداری آنها امتناع نماید، طرف دیگر یا قیم طفل و یا یکی از اقربا و نهایتاً مدعی‌العموم، هر یک از پدر و مادر را که حضانت به عهده وی است را ملزم به نگاهداری اولاد می‌نماید و در صورتی که الزام ممکن نباشد با خرج هر کدام حضانت را تأمین می‌نماید.
قابل ذکر است که قانونگذار فقط وظیفه پدر و مادر در مقابل فرزندان را بیان ننموده است بلکه در موارد بعدی قانون وظیفه‌ای نیز برای فرزندان در مقابل پدر و مادر خود معین نموده است «طفل باید مطیع ابوین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام بگذارد.» بنابراین پدر و مادز و فرزندان در مقابل همدیگر ظایفی داشته و این وظیفه دوطرفه است. (ادامه دارد)

فصل خزان گمرک گناوه شروع شد

● رسول رحیمی - گناوه

وقتی افرادی به نام قانون جلوی امرار معاش مردم را می‌گیرند آن موقع شغلی‌های نامربوط بوجود آید. ممکن است این افراد ملوانان سیاه بخت و زجرکشیده و طوفان‌زدهٔ بندرگناوه باشند که چشم امیدشان به کرامت مسئولین گمرک است. راستی مسئولین محترم، شما که درد مردم ساحل را می‌دانید، شما که می‌دانید درهم و دینار با ریال ما قایم باشک بازی می‌کنند، شما که وقتی زبانتان می‌چرخد به غیر از کمک کردن به ملوانان چیز دیگری از آن بیرون نمی‌اید، پس خواهش می‌کنیم که کمک کردنتان به این قشر واقعاً محروم که به وسیلهٔ این کمکها هم به سختی زندگی می‌کنند فصلی نباشد. بزرگواری و فداکاریهای رئیس جمهوری محبوب و محترم شامل حال ما شده است هیچ کسی منکر این نیست و نمی تواند باشد اما چیزی که هست ما دوست داریم عمر کمکها مثل گل بهاری نباشد. عده‌ای از افراد بنا به محدودیتهای گمرکی که دارند ناچارند دست به خلاف بزنند. ما از مسئولان محترم انتظار دارم که قانون گمرکی را با قانون ارتشی جابه‌جا نگیرند و هر کس که مرتکب خلاف شد با همان شخص برخورد شود، بقیه چه گناهی کرده‌اند که باید تاوانش را پس دهند و چه بسا که اگر به همین افراد کمک شود مجبور نیستند از چراغ قرمز عبور کنند و در آخر اگر این وضع همچنان ادامه پیدا کند انگیزهٔ تخلف کردن را از در همه بوجود می‌آورد و این کاملاً مشخص است که به ضرر جامعه است

درخواست اهالی دواس و حومه از مخابرات

مدت مدیدی است که اداره کل مخابرات استان بوشهر از متقاضیان تلفن، ایستگاه شماره ۴ شهید خواجه‌ئیان یعنی مردم محلات دواس، بهمنی، خواجه‌ها و ... با وجود دارا بودن بیش از چهار هزار شماره خودداری می‌ورزد. یعنی از اسفند ۷۶ تا کنون ادامه داشته و این تعداد شماره‌های فوق با توجه به نیاز شدید مردم شهیدپرور این محلات به خط ۲ و ۳ انتقال یافته است. اکنون نکته اصلی اینجاست، آیا مرکز شهر با توجه به محدودیت فیزیکی، نسبت به محلات ذکر شده این تعداد متقاضی را به یکباره چگونه در خود جای داده که اهالی شهر متوجه نشده‌اند؟ باید دانست که محلات فوق با سرازیر شدن خیل عظیم دانشجویان بدون خوابگاه، گسترش و توسعه روزافزون فیزیکی، فرصتهای شغلی، اسکان یافتن و روی آوردن اهالی مرکز شهر به این محلات، نیاز روزافزون و شدید این مردم شهیدپرور را با مأیوس کردن، سردرگمی و جواب منطقی و قانع‌کننده بدون توجیه، ارائه ندادن، دور از شأن و منزلت دولت مردمی آقای خاتمی و این مردم همیشه در صحنه و نظام مقدس جمهوری اسلامی و آینده نظام است. لازم به یادآوری است این عملکرد مخابرات در این چند ماهه باعث گردیده قیمت خط تلفن افزایش یافته و افراد سودجو میدان را یکه‌تاز خود سازند.
«جمعی از اهالی کوی دواس و حومه»

«آیا پزشکان جوان حق طبابت ندارند؟!»

● دکتر جواد گرگین

سخن من مستقیماً با مسئولین سازمان بیمه تأمین اجتماعی است. می‌خواهم بپرسم درحالیکه این سازمان سهم بزرگی در پوشش دادن افراد بیمه شده دارد خصوصاً مناطق «روستائی - صنعتی» که اکثریت افراد آن کارگر می‌باشند و درحالیکه این سازمان حق بیمه مشمولین را دریافت می‌کند و در قبال آنها تعهد دارد، چرا در مورد عقد قرارداد بیمه با پزشکان همکاری نمی‌کند؟ اگر این سازمان مشکل بار مالی دارد آیا باید دود آن فقط به چشم پزشکان جوان که اخیراً اقدام به تأسیس مطب کرده‌اند برود؟ در جائی که حق انتخاب پزشک فقط با بیمار است چرا این سازمان بیماران را از مراجعه به بعضی از پزشکان محروم می‌کند. آیا پزشکان جوان حق طبابت ندارند؟ آیا پروانه دائم طبابت پزشکی اداره کل صدور پروانه پزشکی اینقدر بی‌اهمیت است؟ حال جای این پرسش مطرح است، اکنون که تعدّد پزشکان برای خود جامعه مشکل‌ساز گردیده است، آیا این مشکل تراشیهای بی‌مورد سازمان بیمه تأمین اجتماعی دیگر جائی دارد؟

گلایه یک کارمند فرمانداری

علیرغم آن امیدهایی که از مسئولین مافوق در جهت تحقق عدالت اجتماعی انتظار می‌رفت و به عنوان یک الگو می‌بایست سرمشق زیردستان و بارقه امیدی در دل مستمندان باشد، مع‌الاسف جز رویا و خواب و خیال چیزی بیش نیست. هر از گاهی نامه‌های متعددی جهت دلخوش نمودن کارمندان که از عمل بدور است از سوی استانداری بوشهر به فرمانداریها و بخشداریهای تابعه ارسال می‌شود. که مختصراً به دو مورد آن اشاره می‌نمائیم. یکی در خصوص نامه شماره ۹۰۰۹/۳۲ مورخ ۷۷/۳/۲۷ موضوع درخواست اسامی دانش‌آموزان ممتاز کارکنان در مقاطع مختلف تحصیلی جهت تقدیر که تاکنون فاقد جواب مانده و دیگر نامه شماره ۱۱۲۳۷/۳۲ مورخ ۷۷/۴/۱۷ موضوع فراهم نمودن تسهیلات سفر مشهد مقدس جهت کارکنانی که دارای تمکن مالی کمتری هستند ارسال داشتند که اسماً بنام کارمندان خلاصه شد و رسماً این تسهیلات در نظر گرفته شده (کلیه هزینه‌ها) از قبل، مختص فرمانداران و معاونین و بخشداران به همراه خانواده‌شان تمام شده است. جای بسی تقدیر و تشکر است از مدیر کل محترم امور اداری و مالی و برنامه‌ریزی استانداری بوشهر که از کارکنان دولت آن هم در هفته دولت بدین منوال تجلیل نمودند. از کسی پوشیده نیست که بی‌شک این همه جنجالهای تبلیغاتی در مورد صرفه‌جوئی در هزینه‌های اداری فقط و فقط مختص کارمندان می‌باشد. علی‌ایحال در آخر پیشنهاد می‌گردد، که ترتیبی اتخاذ فرموده تا درخصوص طرح اینگونه مزایا کمی تأمل کرده چرا که جز ایجاد تنش در بین کارکنان و رؤسای مربوطه نتیجه‌ای ندارد. «یکی از کارمندان فرمانداری»

توصیه‌های پزشکی

بیماری سل قابل پیشگیری و درمان است.

● دکتر پریا ربیعیان

سل یک بیماری عفونی است که عامل ایجاد این بیماری میکوباکتریوم توبرکلوزیس است. بیماری سل می‌تواند تقریباً تمام اعضای بدن انسان را مبتلا کند ولی سل ریه از همه شایع‌تر است. راه ابتلاء بیماری در اکثر موارد از راه تنفس است. میکروب سل پس از ورود به ریه ایجاد بیماری کرده و. یا به قسمتهای دیگر بدن منتشر شده و اعضای مختلف بدن را مبتلا به سل می‌کند.
میکروب سل اغلب توسط فردی که مبتلا به سل است از راه عطسه، سرفه، خنده در هوای اطراف پخش شده و به افراد سالم انتقال پیدا می‌کند. این قطرات که حاوی میکروب سل هستند می‌توانند در هوا تا ساعتها زنده بمانند و وارد ریه فرد سالم شده و او را بیمار کند.
شایع‌ترین علائم ابتلا به بیماری سل: سرفه بیش از سه هفته، خلط خونی، تب، درد قفسه سینه، تنگی نفس، کاهش وزن، کاهش اشتها، بی‌حالی، خستگی، عرق شبانه‌ای، هر فردی که یک یا چند علامت از علائم ذکر شده در فوق را داشت باید به نزدیکترین واحد بهداشتی مراجعه نماید تا از بیمار خلط گرفته شده و تشخیص و در صورت لزوم درمان شروع شود. بیماری سل قابل پیشگیری و قابل درمان است.
امر پیشگیری در کشور ما توسط واکسیناسیون ب.ث.ژ در بدو تولد انجام شده و کلیه نوزاداتی که به دنیا می‌آیند بر علیه این بیماری واکسینه می‌شوند.
دورهٔ درمان بیماری سل ۶ ماه است و در این مدت دارو باید بطور منظم و روزانه مصرف شود اگر بیمار مسلول داروهای خود را بطور منظم مصرف کند خطر سرایت بیماری هم کمتر شده و بعد از دو الی سه هفته خطر سرایت ندارد.
نکاتی که باید در جهت علائم انتشار بیماری به اطرافیان به آن توجه کرد: تهویه اتاقی که بیمار در آن قرار دارد، خوب باشد. اتاق بیمار آفتابگیر باشد. بیمار در ماه اول از ماسک استفاده کند. دستمال کاغذی حاوی خلط و آب و دهان بیمار دفت شده یا سوزانده شود. از نزدیکی به کودکان زیر ۵ سال خودداری کند.
پیشگیری، تشخیص و درمان و پیگیری بیماری سیل به همکاری یکایک افراد جامعه نیاز دارد پس بیائیم در این امر مهم بکوشیم.

مساوی تیم شاهین بوشهر با کشاورز تهران

روز پنجشنبه ۳۰ مهر از سری بازیهای لیگ دسته دوم کشور تیم کشاورز تهران در ورزشگاه راه‌آهن این شهر میزبان تیم شاهین بوشهر بود. تیم شاهین که در سه بازی گذشته تنها یک امتیاز بدست آورده بود با مربی جدید خود یعنی عباس گشوئی با انگیزه‌تر به میدان رفت. دو تیم پس از اینکه شانسهای خود را برای گلزنی از دست دادند تن به مساوی صفر بر صفر دادند. در این میدان بهترین بازیکن شاهین محمود بحرینی دروازبان بود که بارها ناجی دروازهٔ شاهین شد.

چند خبر ورزشی از بوشهر

● به مناسبت بزرگداشت هفته مقام زن یک دوره مسابقه بدمینتون بین بانوان ورزشکار این رشته در محل سالن ورزشی شهید صدوقی بوشهر برگزار گردید که خانمها زهره فریدی، منیژه‌بهرامی، منیژه موسوی به ترتیب مقامهای اول تا سوم را کسب نمودند.
● به گزارش رسیده از روابط عمومی اداره کل تربیت‌بدنی استان بوشهر یک دوره مسابقه کشتی انتخابی بزرگسالان جهت شرکت در مسابقات قهرمانی منطقه ۴ کشور با حضور تیمهای بوشهر، خورموج، برازجان، گناوه، هوائی، دریائی و جهادسازندگی در روزهای ۲۳ و ۲۴ مهرماه در محل سالن ورزشی شهید صدوقی بوشهر برگزار گردید که در این مسابقات ۷۳ کشتی‌گیر طی ۶ دوره با یکدیگر کشتی گرفته و آقایان خیّر، محمدی، ترک‌زاده، فریادرس، هادی‌پور، عرفاوی، اسماعیل‌نژاد، پهلوان‌زاده و محبوبی‌مقدم برترین این مسابقه در اوزان مختلف بودند.
● یک دوره مسابقات تکواندو قهرمانی نونهالان استان بوشهر در تاریخ ۲۴ مهرماه برگزار گردید در این مسابقه باشگاه گمرک، باشگاه نیروگاه و باشگاه هوائی شهید یاسینی به ترتیب مقامهای اول تا سوم تیمی این مسابقه را بدست آورند.

مرحله دوم مسابقات فوتبال امیدهای بوشهر

تیمهای شاهین، ایرانجوان، گسّار سپاهان، فجر، ملوان و دریانوردان به مرحلهٔ دوم مسابقات فوتبال امیدهای بوشهر صعود کردند.
تیمهای مذکور از این هفته در دوگروه مرحلهٔ پایانی را برگزار می‌نماید
در هفته گذشته دور برگشت مسابقات فوتبال لیگ دسته اول استان بوشهر هفته ششم خود را پشت سرگذاشت و ملوان بوشهر با برتری کامل در صدر جدول قرار گرفت

اعتراض ۷۶ نفر از دانشجویان رشته‌های فنی دانشگاه آزاد بوشهر به امکانات این دانشگاه

ضمن عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما و همکاران محترمتان عزیزان راهتان مقدس، هدفتان والاست پس امید که گامهایتان محکم‌تر و مستدام باد.

جمعی از دانشجویان رشته‌های فنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر می‌باشیم که همچون بسیاری از هم وطنان عزیز، یکتا انتقال دهندهٔ درد دلهایمان را شما دانسته‌ایم و مطمئن از اینکه به گوش مسئولین جهت اقدام خواهد رسید دست به کاغذ و قلم برده‌ایم.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر با داشتن یک ساختمان استاندارد آموزشی (به عنوان دانشکده علوم‌انسانی) و یک دستگاه ساختمان سه طبقه مسکونی (با عنوان مرکز تحقیقات و پژوهش) دو دستگاه ساختمان سه طبقه موقوفی از سوی فردی خیر که (در همین جا به روان پاکش درود می‌فرستیم) به عنوان دانشکده فنی [illegible] بهتر آن است بگوئیم مشکلات [illegible] را برایتان شرح می‌دهیم. این ساختمان به اصطلاح دانشکدهٔ فنی فاقد از هرگونه امکانات رفاهی می‌باشد. فضای کلاسهای آموزشی بسیار کوچک و با تعداد دانشجویان شرکت‌کننده در کلاسها همخوانی ندارد تا حدی که گاه [illegible] این دانشکده که [illegible] تنها دارای یک سرویس بهداشتی و همچنین یک دستگاه آب سردکن است که آن هم خراب می‌باشد. هیچ فضای مناسبی جهت تشکیل دروس اصلی و عملی [illegible] (اعم از دروس نقشه‌کشی ساختمان، طراحی معماری، نقشه‌کشی صنعتی و ...) وجود ندارد. [illegible]

[illegible]

هفته‌ها و ماهها را باید به انتظار بازگشت امانت‌گیرنده نشست. علاوه بر آن کتابهای جدید از سوی دانشگاه برای این کتابخانه تهیه نمی‌شود. در ضمن یادآوری میشود که کتابخانه مذکور در دانشکدهٔ علوم‌انسانی قرار گرفته و دانشکده فنی که به فاصلهٔ چند خیابان از آن واقع شده از سالن مطالعه مشکل بهره‌مند می‌شود. مهمتر آن که استاد بعضی از دروس از قبیل زمین‌شناسی مهندسی و مصالح ساختمان و آزمایشگاه و ... را افرادی با مدرک لیسانس بعهده دارند.

دروس عمومی دانشجویان فنی در دانشکده علوم‌انسانی دایر می‌شود حال آنکه دانشجویان مجبورند قبل یا بعد از کلاس درس عمومی خود را برای شرکت در کلاسهای تخصصی دانشکده فنی مهندسی به آن دانشکده برسانند، که اغلب موجب بی‌نظمی بر سر کلاسها و یا عدم رسیدن به موقع دانشجویان و ... می‌شود که این مشکل ایجاد شده به دلیل نبود سرویس ایاب و ذهاب دانشگاه جهت دانشجویان پدید می‌آید. متأسفانه آنچه که فقط در این واحد دانشگاهی هدف اول مسئولین قرار گرفته محدود کردن دانشجو می‌باشد. بطور مثال در سال ۷۶ مسئولین، کلی هزینه آن کردند که درب ورودی خواهران و برادارن به دانشگاه را جدا نمایند بی‌توجه به اینکه دانشجویان پس از ورود به دانشگاه، به یک سالن، به یک ساختمان و به یک کلاس وارد می‌شوند. آنچه که مدنظر آقایان قرار گرفته محدودیت شدید دانشجویان در برخوردهای خواهران و برادران است؛ بی‌آنکه کوچکترین توجهی به شخصیت دانشجو و ماهیت مکانی دانشگاه شود. ما هنوز واقعاً نمی‌دانیم اگر جوانان ما در خانواده‌های مذهبی در نظام اسلامی و در سایه احکام اسلامی به این سن رسیده‌اند پس این همه محدودیت و کنترل شدید دیگر برای چیست؟ آیا آقایان تا کنون محیط دانشگاههای دیگر اعم از سراسری و آزاد اسلامی را دیده‌اند؟! شاید همه گمان می‌کنند جوانان خود از وظیفه شرعیشان (امر به معروف و نهی از منکر) غافل می‌شوند. برخورد زننده و توهین آمیز عده‌ای از مسئولین خصوصاً در زمان انتخاب واحد دانشجویان که با دانشجو می‌شود و خود توهینی به شخصیت دانشجو است را می‌توانید در حین انتخاب واحد آنان به وضوح شاهد باشید. بزرگترین آثار سوء و مخربی که می‌تواند همهٔ موارد مذکور بر دانشجویان داشته باشد حسّ تعهد، دلسوزی و ... و در مجموع حس خدمت و خدمتگذاری خالصانه را در آنها خدشه‌دار می‌سازد. در توضیح این مورد به همین مختصر کفایت می‌کنیم چرا که بحث در مورد این مقوله خود مجال و زمانی مناسب می‌طلبد سؤال ما از مسئولین محترم این واحد دانشگاهی این است، چرا دانشجویان ما می‌بایست درست یک ماه و نیم قبل از اتمام ترم اول سال تحصیلی نسبت به پرداخت شهریهٔ ترم آتی خود تمام و کمال اقدام نماینده‌ولی حق ندارند از آقایان بپرسند که این شهریه‌های سنگین رابابت کدامین امکانات رفاهی آموزشی دانشگاه می‌پردازند؟ در سال ۷۷ این واحد با انبوهی از مشکلات تصمیم گرفته پذیرای یکهزار و چهارصد دانشجوی جدید در رشته‌های مختلف باشد، سؤال ما از مسئولین واحد نیست چرا که آنان سؤالات ما را بارها شنیده‌اند و جوابشان به ما این بوده که این سؤالات را قبلاً هم از ما کرده‌اید و تنها جوابشان این است که اینجا دانشگاه سراسری نیست که مشکل نداشته باشد و ... پس سؤال ما از مسئولین است که تاکنون این سؤالات را نشنیده‌اند! چرا شورای بررسی و نظارت دقیق بر ادارهٔ واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و سطح کیفی این دانشگاهها وجود ندارد و چنانچه وجود دارد چرا این واحد دانشگاهی نظارت چنین شورائی را بر خود ندیده و نمی‌بیند؟!

بیش از دو سال است که در برابر اعتراض دانشجویان به نقایص و کمبودها و کاستی‌ها و ... تنها جواب و وعده‌ای که به آنان داده می‌شود اشاره به ساخت ساختمان اصلی دانشگاه آزاد این واحد در شهر جدید عالی‌شهر در ۲۵ کیلومتری شهر بوشهر می‌نمایند و همیشه به همین مورد اشاره می‌شود. سؤال ما این است مشکلات فعلی را چه کسی حل می‌کند و دانشجویان تا چه زمانی در چنین محیط اسفباری باید باقی بمانند و همچنین تا زمان ساخت و تکمیل ساختمان اصلی پذیرش دانشجوی جدید آن هم با این همه مشکل برای چیست؟! چرا با آیندهٔ جونان و جوانی آنان بازی می‌شود؟ بیش از نیمی از دانشجویان با دلسردی تمام به تحصیل ادامه می‌دهند! سؤالات بسیار است و مشکلات بسیارتر ولی ما دانشجویان با رفع و نواقص مذکور جهت برقراری محیطی آموزشی با حداقل امکانات تحت عنوان دانشگاه اکتفا میکنیم و همچون همیشه به انتظار رفع نقائص و کمبودها می‌نشینیم امید که اینبار این انتظار را پایانی باشد!! با تشکر و سپاس.

«امضاء : ۷۶ نفر از دانشجویان فنی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر»

مشکل عقب‌افتادگی مطالبات فرهنگیان کمبود بودجه یا سهل‌انگاری؟!

یکی از دهها مشکل خرد و کلان که سالهای سال است فرهنگیان استان بوشهر با آن مواجه هستند مسئله تأخیر در پرداخت مطالبات آنها اعم از حق مأموریت، حق‌الزحمه طرح سؤال، گروههای آموزشی، تصحیح اوراق، اضافه تدریس، حق مدیریت و معاونت و مواردی از این قبیل است. پرداخت مطالبات مذکور به افراد ذینفع معمولاً بین سه تا یک سال در نوسان است (بگذریم از اینکه برخی مطالبات، به هر دلیل روانه تعهدات شده و برای دریافت آنها باید سالها به انتظار نشست) البته همانطور که اشاره گردید این معضل مربوط به یکی دو سال اخیر نیست بلکه هم در دوران جنگ هشت ساله و هم هشت سال دوره ریاست جمهوری هاشمی‌رفسنجانی که در آن شعار مساوی بودن هزینه و درآمدهای دولت (عدم کسری بودجه) داده می‌شد و گاه نیز رئیس جمهور سابق اعلام می‌کرد که حتی دولت درآمد مازاد بر هزینه‌هایش را نیز دارد، وجود داشته است و تجربیات سالهای متمادی نشان داده است که حتی تغییر مداوم مدیریت در سطح اداره کل آموزش و پرورش استان هم نتوانسته است این گره را بگشاید. به نحوی که این مسئله برای فرهنگیان بوشهر بصورت امری عادی و طبیعی درآمده است.

به هر حال امروز اغلب فرهنگیان با چنین معضلی روبرو هستند، از یک طرف بخاطر جلوگیری از عملکرد فعالیتهای آموزشی (امر تدریس) و یا اداری و یا به دلیل نیاز مبرم اقتصادی که به هیچ عنوان با حقوق تنها، قابل رفع نیست به همکاری با اداره تن می‌دهند و از طرف دیگر باید ماهها و گاهاً سالها بدنبال دریافت «چندرغاز» حق‌الزحمه خود باشند و در نهایت زمانی آن را دریافت کنند که به دلیل وجود یک اقتصاد بیمار، تورم و افزایش مداوم قیمت کالاها و خدمات، ارزش آن به شدت کاهش یافته است. دولت همیشه برای پرداخت بهای آب برق و تلفن و سایر خدمات خود ضرب‌الاجل تعیین می‌کند و در صورت عدم پرداخت در موقع مقرر نسبت به قطع آنها اقدام می‌نماید ولی در رابطه با پرداخت به موقع مطالبات فرهنگیان و احتمالاً سایر کارمندان در پایان هر ماه برای خود تعهدی قائل نمی‌شود. به نظر می‌رسد تأخیر در پرداخت مطالبات فرهنگیان استان خصوصاً معلمان در کل ناشی از دو عامل نبودن بودجه، اعتبار و پول و یا سهل‌انگاری و عدم مسئولیت شناسی برخی کادرهای اداری مسئول پرداخت حق‌الزحمه و یا هر دو است. باید برای پایان دادن به این بیماری مزمن فکری کرد، اگر مسئله کمبود بودجه است باید با جلوگیری از انواع و اقسام تبعیض‌ها و نیز رها کردن برنامه‌های صرفاً تبلیغاتی و آماری بدون محتوا و بی‌فایده برای کشور و هدر دادن بیت‌المال نسبت به تأمین و پرداخت حقوق حقه فرهنگیان اقدام کرده همچنین باید با بکارگیری افراد کاردان و دلسوز در قسمتهای مربوطه (حسابداری و ذیحسابی) و تشویق و توجیه آنها در اهمیت پرداخت به موقع حق‌الزحمه‌های همکاران آموزشی خود، بر علاقمندی آنها بر امر تعلیم و تربیت افزود. مسئولان محترم استانداری، سازمان برنامه و بودجه و اداره کل امور اقتصادی استان نیز باید در مورد تأمین اعتبار و پرداخت بودجه به آموزش و پرورش همکاری لازم و کافی مبذول داشته و به این نکته بسیار مهم و بدیهی توجه نمایند که معلمانی که با تمام وجود خویش، تن، روان و فکر خود را در خدمت تعلیم و تربیت فرزندان این آب و خاک و از جمله فرزندان خود آقایان مسئول قرار می‌دهند سزاوار نیستند که اینچنین مورد بی‌مهری قرار گرفته،در حالیکه خود از دولت طلبکار هستند برخی از آنها برای رفع نیازهای خود مجبور به قرض گرفتن از دیگران باشند. در پایان انشاءالله امیدواریم با اهتمام و پی‌گیری مدیرکل جدید اداره کل آموزش و پرورش استان و همکاری مداوم همه دستگاههای دولتی ذیربط شاهد پایان یافتن همه مشکلات آموزش و پرورش و از جمله مشکل پرداخت مطالبات فرهنگیان استان باشیم.

«یکی از فرهنگیان استان بوشهر»

یک تحلیل یک جانبه

یادداشتی برمقاله «فقط زورتان به معلم می‌رسد»

● حمید مؤذنی

باید با خود پیکار کرد تا از خود برتر رفت «رومن رولان»

در هفته نامه نسیم جنوب شماره چهاردهم یکی از نویسندگان در مقاله‌ای تحت عنوان « فقط زورتان به معلم می‌رسد» تحلیل یکجانبه‌ای از اتفاقی که در یکی از مدارس بوشهر افتاده بود انجام داده‌اند. حادثه بدینصورت بوده که چادر یکی از دانش‌آموزان مفقود شده و والدین آنها در پی آن به مدرسه آمده‌اند و به مسئولین مدرسه و معلمان با پرخاشگری و توهین رفتار کرده‌اند و قضیه را به حراست اداره در میان گذاشته‌اند که نویسنده با آوردن ضرب‌المثل «سیل همیشه از روی ثُل ملای قدکوتاه می‌گذرد» مظلومیت قشر فرهنگی معلمان را اینگونه بررسی کرده‌اند و گفته‌اند که: «دیواری کوتاهتر از معلمها نیست»، ضمن بیان این مطلب که معلمین در جامعه اصلی‌ترین نقش فرهنگی و تربیتی و آموزشی را ایفا می‌کنند و می‌بایست در جایگاه رفیعی قرار داشته باشند چرا که مستحق آنند. ابتدا می‌بایست بیان کرد که آیا این رفتار استثنا است یا قاعده می‌باشد، در بحثی که نویسنده مقاله عنوان کرده‌اند این رفتار با معلمان همیشگی بوده و احتمالاً خود ایشان معلم می‌باشند و تجربه آن را به انجام رسانده‌اند و واقعیت امر هم همین است و جایگاه معلم در ذهن فرد ایرانی بخاطر نظام پادگانی و رفتارهای خشونت‌آمیز معلمان درگذشته و در حال هم که کمتر شده آنان را دیکتاتورهایی ساخته و پرداخته کرده که اوج آن را می‌توان در این ضرب‌المثل دید، «اگر دعای بچه‌ها اثر داشت یک معلم هم زنده نمی‌ماند» و واقعاً این یک مصیبت فرهنگی است. ولی آیا واقعاً والدین و اولیاء دانش‌آموزان تنها مقصرند؟! در پاسخ به این سؤال جمله‌ای است از «لوتر» که می‌گوید: «ملتها شاهانی را دارند که سزاوار آن‌اند». آری بدینصورت که معلمین شاگردانی را دارند که خود این شاگردان معلمین فردا هستند و این برخوردها را در طی رشد خویش فراگرفته‌اند چرا که روابط خانوادگی ـ تحصیلی و کوچه و بازار فرهنگ ایرانی دارای بار خشونت هستند که در نتیجهٔ الگوهای فرهنگی هستند که از دیر باز به ارث رسیده‌اند، ما می‌بینیم که پدر در خانه، فرزندش را تنبیه می‌کند ـ فرزند در کوچه بچه ضعیفتر از خودش را کتک می‌زند، در مدرسه مدیر یا معلم به عنوان صلاحدید دانش‌آموز را تنبیه می‌کنند، دانش‌آموز صندلی اتوبوس را پاره می‌کند، اتوبوسرانی صندلی تخته‌ای برای مسافرانش می‌گذارد، مسافر اگر کارمند باشد در اداره با ارباب‌رجوعش تند برخورد می‌کند، ارباب‌رجوع در سر کارش انتقام آنرا با گرانفروشی می‌گیرد. نظام اجرائی حکومتی مثل تعزیرات گرانفروش را تنبیه می‌کند و هزاران مثال اینگونهٔ دیگر و این تسلسل با تعویض جایگاه قدرتی افراد عوض می‌شود و همه غیر قانونمداری و خشونت را در صورتهای گوناگون آن تجربه می‌کنند و علت دیگری هم هست که در ایران هیچ کس در جای شغلی خودش نیست و تخصصهای افراد با کارشان نمی‌خورد در نتیجه افراد بجای کسب انرژی و لذت از انجام کار به عکس انرژی روانی را از دست می‌دهند و با یک بررسی در کارهای خصوصی مثل مغازه‌داری، رانندگی و ... کارهای اداری می‌بینیم که مدرکها با نوع کار افراد هیچگونه سنخیتی ندارد و به همین خاطر افراد دارای ظرفیت روانی کمی می‌باشند و پرخاشجو هستند.

البته نویسنده آن مقاله موضوع را کاملاً شفاف نکرده‌اند و برخورد حراست اداره را ننوشته‌اند که آیا مقابله به مثل کرده و یا رفتاری دیگر و با توجه به اینکه والدین دانش‌آموز به حراست مراجعه کرده‌اند بنظر می‌رسد که تا حدودی از راهکار قانونی وارد شده‌اند و قانونمند عمل کرده‌اند و در حقیقت منهای تندخونی و پرخاشگری والدین دانش‌آموز، رفتار آنها رفتاری در امتداد قانون بوده است چرا که مدرسه می‌بایست در قبال مفقود شدن چادر دانش‌آموز مسئولیت کامل داشته باشد زیرا بجز ضرر مالی به دانش‌آموز که چادرش مفقود شده، آسیب روانی به دیگر دانش‌آموزان هم می‌رسد و مدرسه حتی می‌توانست یک چادر را به دختر دانش‌آموز هدیه کند و واقعاً آیا این خصلت مردم بوشهر که بنام «نجابت»، انتقاد از مسئولین پرهیز دارند و در پی حق و حقوق خویش نیستند اینجا نیز می‌بایست اجرا شود و والدین نمی‌بایست پی‌گیری کنند و به نظر من پی‌گیری مسئله، حتی اگر بصورت توهین هم باشد از سکوت و تسلیم شدن بهتر است. همچنین نویسنده مقاله نوشته بودند که چرا در پی اعتراض به سازمانهای دیگر که حق و حقوق شما را ضایع می‌کنند نیستند و فقط زورتان به معلم می‌رسد. در پاسخ باید گفت به نظر شما اگر مدرسه و یا معلمین درجایگاه قدرتی دیگری بودند آیا رفتاری آنچنان از آنها سرنمی‌زد؟ فکر نمی‌کنید قدرت برخورد و ابزار کافی نداشته‌اند و... مشکل بزرگ ما این است که همیشه به علتها پرداخته‌ایم و معلولها را پیگیری نکرده‌ایم به همین خاطر این تسلسل ادامه دارد و واقعیت این است که «طومار گذشته، برای عمل، در زمان حال بسته می‌شود و گذشته، طومار گشودهٔ زمان حال است.»

قانون با تن‌پوش سلیقه‌ها

حمیدرضا مؤیدی

متأسفانه در جامعه امروزی که ما بسر می بریم در برخوردهای روزمره اطراف مان متوجه می شویم در بسیاری از مسائل به جای قانون از سلیقه‌ها استفاده می شود. شاید در ابتدا ذهنیت شما متوجه قوه قضائیه یا مجریان قانون گردد، اما این مسئله کلی‌تر از موارد خاص میباشد و باید در متن جامعه ، جایی که تمامی ما وجود داریم بدنبال آن باشیم . شاید تا بحال دیده اید که یک کارمند، رئیس در اداره و محل کار خود با هر ارباب رجوعی برخورد میکند، یکی را راهنمایی ولی از کنار دیگری بی اهمیت می گذرد و وضیفه‌ایی که طبق قانون به او محول شده به سلیقه می دهد و یا راننده تاکسی را که با سلیقه خود مسافران را می چیند و ... هزاران دیگر که قابل تمثیل هستند، واقعاً با این حجم سلیقه‌ها چه باید کرد، (آیا این یک فاجعهٔ فرهنگی جامعهٔ ماست یا نیاز جامعهٔ سنتی (احساسی) ماست که با ماشینی‌تر شدن سلیقه ها کم کم جای خود را به قانونمندی خواهند داد) و عمدهٔ بحث ما در همین راستاست که سلیقه ها را می بایست نگه داشت یا از بین برد. اصولاً جایگاه قانون در کجاست فقط در کتاب یا در افکار و رفتار مردم ، آیا قوانین با تبصرهای زیاد خود نوعی سلیقه‌ای عمل کردن و نرمش قانون در مقابل جامعهٔ سنتی (احساسی) نیست؟ آیا قوانین اشتباه هستند که مردم نیاز به اجرای سلیقه دارند یا اشتباه از ماست؟! در جوامع گسترده و شهری که همه گونه افراد با افکار و رفتار و علائق گوناگون زندگی می کنند می‌بایست یکسری معیارها و ملاکهایی در همه زمینه ها تدوین و اجراگردد تا از هر گونه انحراف ، اجحاف ،خلافکاری جلوگیری شود و جامعه با نظم خاصی راه خود را پیش گیرد ولی متأسفانه به جای منطق و قانون سلیقه اجرا می‌گردد براستی بیماری از کجاست ، در اینجا باید اذعان داشت که درد دو طرفه است اول در قانون و آن زمانیست که اجرای قانون بسیار مشکل و غیر قابل اجرا می‌نماید و ممکن است جامعه را دچار دردسرهائی سازد که می‌بایست با بازنگری به قوانین آن را طوری تدوین کرد که اجرای آن با واقعیت ها منطبق باشد. با یک مثال بیشتر متوجه خواهیم شد . وقتی‌که طبق قانون عبور از چراغ زرد جریمه ای ۵۰۰۰۰ ریالی را در بر دارد و البته این مبلغ جریمه بخاطر توجه بیشتر رانندگان به رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی می‌باشد ، اما در عمل وقتی راننده‌ای بدلیل حواس پرتی یا کم توجهی چنین اشتباهی را مرتکب می گردد، برای افراد راهنمایی با در نظر گرفتن اوضاع اقتصادی جامعه و فرد، نوشتن جریمه ۵۰۰۰۰ ریال از لحاظ احساسی (سنتی) کمی مشکل بنظر می‌رسد و می گوید بجای ۵۰۰۰۰ ریال ۵۰۰۰ ریال می نویسم و اینجاست که سلیقه را به قانون ترجیح میدهد. ازاینرو تصحیح برخی قوانین باعث می گردد از سلیقه‌ای عمل کردن جلوگیری شود. از طرفی بیماری دیگر ، سنتی (احساسی) فکر کردن جامعه ماست که باعث گشته قوانین را زیر پا گذاشته سلیقه‌ها را ترجیح دهیم ، این قسمت را به آسانی نمی‌توان تغییر داد ولی اگر هم نگران کننده باشد باید این واقعیت را بپذیریم که ماشینی‌تر شدن جامعه، افکار، نظرات و روحیات مردم را تغییر داده و بجای احساسی فکر کردن، قانون و منطقی فکر کردن را یاد می دهد و با این گونه تغییرات است که می‌توان قانون را به جای سلیقه ها گذاشت و قانون را تن‌پوشی بر سلیقه کرد و باید قبول کنیم نه تنها جامعه ما بلکه تمامی زمینیان سیر ماشینی (بشری) را طی می کند اما بعضی ها سرعت بیشتری دارند و بعضی ها آرام آرام جلو می‌روند و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم قانونی و ماشینی می‌گردیم اما آیا راه رفتن، به اراده راحتتر است یا کسی ما را به روی زمین بکشاند و ببرد.

چرا تابلو مدارس نمونه مردمی پائین کشیده نمی‌شود.

خلیل مرادزاده

پیدایش مدارس گوناگون در سالهای اخیر و تقسیم‌بندی دانش‌آموزان و جداسازی آنها در مدارس، معضلی بود که علاوه بر پائین آوردن سطح کیفی مدارس دولتی اثرات مستقیم آن بر افراد کم‌بضاعت باعث سردرگمی و بالا رفتن هزینه تحصیلی گردیده بود همزمان با دولت آقای خاتمی وزیر محترم آموزش و پرورش، انحلال مدارس نمونه مردمی را اعلام نمود و انتظار می‌رفت که در سال تحصیلی جاری مدارس بصورت یکنواخت و دولتی درآید اما با وجودی که نزدیک به یک ماه از سال تحصیلی می‌گذرد در شهر ما هیچکدام از تابلوهای مدارس نمونه مردمی پائین کشیده نشده است و باز به نوعی به فعالیت خود ادامه می‌دهند و همین اول سال اعلام کرده‌اند که هر دانش‌آموز بایستی ۳۰۰۰۰ تومان بابت کلاسهای فوق برنامه پرداخت نماید در صورتی که کلاسهای فوق برنامه جزء برنامه درس آموزش و پرورش محسوب نمی‌شود. از همه این مدارس جالبتر، مدرسه نمونه مردمی شهید مطهری است که امسال بخاطر این که فرزندان-آقایان از ما بهتران باز هم بتوانند جدا از دیگر خلایق به تحصیل بپردازند آموزش و پرورش شهدا را سپهر قرار داده و این مدرسه را به نام دبیرستان شهدا تغییر نام داده است در حالیکه تنها حدود ۲۵ فرزند شهید را ثبت‌نام نموده است. آنچه و آن کسی که دلش می‌خواسته جدا کرده و در کنار این فرزندان شاهد قرار داده است و طبق سنوات گذشته که خود شاهد بوده‌ام در ترم بعد یکی‌یکی این فرزندان شاهد را به بهانه اینکه کشش درسی ندارند یا صلاح نیست در کنار بچه‌های متمول باشند از آن مدرسه به مدارس دیگر هدایت خواهند نمود. و با توجه به شماره ۴۱۷۵۷/۳۷-۷۷/۷/۱۴ اداره کل آموزش و پرورش که در آن قید شده است که این مدرسه شرایط لازم را ندارد و نمی‌تواند بعنوان مدرسه شاهد به کار خود ادامه دهد ولی همچنان این مدرسه تحت پوشش شاهد به کار خود ادامه می‌دهد که جای دارد بنیاد محترم شهید بر این مسئله پافشاری نموده و آموزش و پرورش نیز با ادغام مدارس شهید مطهری و نواب‌صفوی که از فضای بسیار خوب برخوردار است جا را برای دبیرستان بزرگسال میثاق که در بدترین شرایط بکار خود ادامه می‌دهد باز کرده و دبیرستان بزرگسالان میثاق را به ساختمان کنونی دبیرستان مطهری انتقال دهد تا بدینوسیله به دانش‌آموزان بزرگسال میثاق نیز به چشم دانش‌آموز نگاه کرده باشد.

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر عبدالامیر خلف‌پور

مدیرمسئول و سردبیر: یونس قیصی‌زاده

مدیراجرایی: مهندس محمد مهدی بنجاری

مدیر فنی: حسین ابوالحسنی

چاپ و لیتوگرافی : چاپخانه علوی بوشهر ، خیابان امام ، خیابان شهید حیدری - تلفن ۲۷۷۹۷

آدرس : بوشهر ، روبروی استانداری

دفترهفته‌نامه نسیم جنوب

تلفن : ۳۳۴۴۶ صندوق پستی : ۱۱۹۹

● نسیم جنوب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است .

● مطالب فرستاده شده باز گردانده نمی‌شود.

● مقالات درج شده با امضاء اشخاص ، حاوی نظرات نویسندگان است و منعکس کننده دیدگاههای نشریه نیست .